

# گزارش سیاسی کمیته مرکزی کومه‌له به کنگره نهم

مردادماه ۱۳۷۹

## فصل اول:

۱\_ اوضاع سیاسی و اجتماعی ایران، ارزیابی و چشم‌انداز..... ۲

۲\_ تاکتیک‌ها و اولویت‌ها ..... ۱۰

## فصل دوم:

۱\_ اوضاع سیاسی و اجتماعی کردستان ..... ۱۲

۲\_ جهت‌گیری سیاسی ما ..... ۱۴

۳\_ فعالیت‌های سازمانی ما در کردستان، جهت‌گیری و روش‌های کار ..... ۱۶

۴\_ دربارهٔ تشکل‌های توده‌ای ..... ۱۹

۵\_ مبارزهٔ مسلحانه و نیروی مسلح کومه‌له ..... ۲۱

۶\_ رئیس سیاست و برنامه‌عمل ما در قبال مسئلهٔ کرد در کردستان ایران ..... ۲۳

۷\_ تشکیلات نمایندگی کومه‌له در خارج کشور ..... ۲۷

۸\_ مناسبات با حزب دمکرات کردستان ایران ..... ۲۹

## فصل سوم:

دربارهٔ مسائل تشکیلاتی این دوره و راه حل‌ها ..... ۳۰

## فصل اول

### ۱

#### اوضاع سیاسی و اجتماعی ایران، ارزیابی و چشم انداز

در سال‌های اخیر جامعه ایران از لحاظ سیاسی و اجتماعی دست‌خوش تغییرات چشم‌گیری گشته است. این را همه به‌عنوان مشاهده‌ی يك واقعیت عینی می‌گویند. به‌دست‌آوردن درك مشترك از چندوچون و ماهیت این تغییرات شرط لازم برای تدوین و تدقیق تاکتیک‌های صحیح در جهت تحقق اهداف و برنامه‌ی سیاسی ما است. رئوس این تغییرات را می‌توان چنین خلاصه کرد:

#### ۱- بیداری توده‌ها و تغییر تناسب قوا

مردمی که در سال ۱۳۵۷ برای سرنگونی رژیم شاه به‌حرکت درآمدند و قیام ۲۲ بهمن را برپا کرده بودند، آزادی، رفاه و بهبود شرایط زندگی خود را می‌خواستند. اما برای این مردم حکومت اسلامی ادامه‌ی به‌مراتب مصیبت‌بارتر حکومت پهلوی بود. رژیم جدید وظیفه‌ی ادامه‌ی سرکوب انقلاب را، این بار به‌نام انقلاب با خشن‌ترین و ضدانسانی‌ترین شیوه‌ها به‌عهده گرفت و سرانجام بعد از چند سال کاری را که رژیم شاه برای سرکوب انقلاب آغاز کرده بود، به‌انجام رساند.

طی دو دهه حکومت اسلامی در ایران، اکثریت مردم همواره از این رژیم بیزار بوده‌اند و ادامه‌ی حکومت اسلامی تنها به بهای سرکوب جنبش کارگری، سرکوب نیروهای اپوزیسیون و انجام وحشیانه‌ترین قتل‌عام‌ها، سلب ابتدایی‌ترین حقوق و آزادی‌های مردم، تحمیل آپارتاید جنسی به زنان و بکارگیری يك جنگ ارتجاعی ۸ساله و... ممکن شده است. طی این سال‌ها اگرچه مقاومت مردم ایران در اشکال مختلف ادامه داشت، اما رژیم کماکان قدرت مسلط بود و مردم در خود توان و نیروی تعرض بر بنیادهای این رژیم را نمی‌دیدند. اما آنچه که در چند سال اخیر شاهد آن هستیم این واقعیت است که مردم

به‌جان آمده بیدار شده‌اند و نیروی خود را باور کرده‌اند. امید به رهایی در دل آنها بارور شده است، جسارت اعتراض‌کردن بالاتر رفته است. مردم به این نتیجه رسیده‌اند که دیگر نمی‌توانند به شیوه گذشته زندگی کنند و ضرورت تغییر را دریافته‌اند.

جبهه‌های مختلف مبارزه مردم برعلیه رژیم فعال شدند، جنبش توده‌ای رژیم اسلامی را تحت فشار قرار داد و در گام‌های نخست وی را ناچار از عقب‌نشینی‌های عملی مختصری کرد و همین واقعیت روحیه مردم معترض را باز هم بالاتر برد. رژیم در مقابل دور جدید اعتصابات و اعتراضات کارگری موضع محتاطانه‌ای اتخاذ کرد و مبارزات کارگران برای کسب مطالباتشان گسترش یافت. تلاش‌های رژیم برای آنچه که وی طی دو دهه آن را "وحدت حوزه و دانشگاه" نامیده بود، با شکست روبرو شد و صدای آزادیخواهی دانشجویان در دانشگاه‌ها بلند شد، جنبش دانشجویی به عرصه‌های فراقانونی قدم گذاشت. جوانان مرزهای سنت و قوانین اسلامی را پشت سر گذاشتند، زنان شکستن بندهای اسارت را آغاز کردند. شورش‌های شهری در چندین نقطه در محلات و حاشیه شهرها سر برآورد، مردم کردستان که سنت و تجربه ۲۰ سال مقاومت در برابر حاکمیت رژیم را پشت سر داشتند با روحیه جدیدی وارد صف کارزار سراسری مبارزه با حکومت اسلامی شدند. این رویدادها شاخص‌های عینی ایجاد تناسب قوای جدیدی در رابطه با رژیم اسلامی بودند.

## ۲- اختلافات درونی رژیم بر مسائل جدیدی متمرکز شد،

بخشی از حکومت اسلامی به این نتیجه رسید که ادامه حیات رژیم با روش‌های گذشته ممکن نیست. چگونگی روبروشدن با موج بنیانکن این حرکت به مبنای جدیدی برای تشدید اختلاف جناح‌ها و دسته‌بندی‌های درون رژیم تبدیل شد. همه عرصه‌های مورد اختلاف گذشته، از قبیل سیاست‌های اقتصادی، تفسیرهای متفاوت فقهی و مسایل ایدئولوژیک در رابطه با راه‌کارهای سیاسی، اقتصادی و فرهنگی، رابطه با آمریکا و غرب و غیره تحت‌الشعاع این وضعیت جدید و چگونگی مقابله با آن قرار گرفت و رژیم را در مقابل دو سیاست متفاوت برای روبرو شدن با این واقعیت جدید قرار داد.

یک سیاست هرگونه عقب‌نشینی در مقابل خواسته‌های آزادیخواهان مردم را خطرناک

می‌داند و آن را به‌عنوان مقدمه‌ای برای سرنگونی رژیم تلقی می‌کند و سیاست دیگر می‌خواهد با دادن امتیازات معین خطر آنچه که خود آنرا «انفجار اجتماعی» می‌نامد، برطرف سازد. از نظر آنها رویداد دوم خرداد ۱۳۷۶، خطر يك انقلاب را در ایران مهار کرده است.

### ۳- ریشه‌های سیاسی و اجتماعی تغییرات سالهای اخیر

روشن است که تغییرات سالهای اخیر رویدادهایی پراکنده، خلق‌الساعه و بدون ارتباط با همدیگر نیستند، بلکه ریشه‌های سیاسی و اجتماعی عمیقی در جامعه طبقاتی ایران دارند. جامعه ایران طی دو دهه‌ای که از حکومت اسلامی می‌گذرد دست‌خوش تغییرات گسترده‌ای بوده است. جمعیت ایران در این فاصله دوبرابر شده است و جمعیت شهرهای بزرگ دو تا سه برابر افزایش یافته‌اند. تعداد شهرهای ایران در این فاصله از ۲۷۲ به ۶۱۴ افزایش یافته است و تعداد شهرهایی که بیش از صد هزار نفر جمعیت دارند از ۲۲ به ۴۷ رسیده‌اند. میزان شهرنشینی از حدود پنجاه درصد در سال ۱۳۵۷ به نزدیک به ۷۰ درصد، در سال ۱۳۷۸ تغییر کرده است. تعداد باسوادان ایران که در سال ۱۳۵۵ حدود ۵۰ درصد کل جمعیت کشور بودند در سال ۱۳۷۵ به حدود ۸۰ درصد رسیده است. بیش از ۴۵ درصد جمعیت ایران را جوانان زیر ۱۸ سال تشکیل می‌دهند که انقلاب ۱۳۵۷ برای آنها يك تاریخ است. بیش از ۱۹ میلیون نفر از این جوانان در سال جاری در مدارس و دبیرستان‌ها با امکانات نازل تحصیلی در کلاس‌های درهم‌فشرده از جمعیت، به تحصیل اشتغال دارند. برنامه‌های اسلامی کردن جامعه و مغزشویی کودکان و جوانان همگی شکست خورده و نتایج معکوس به‌بار آورده‌اند. مطابق آمار مورد تأیید مقامات رژیم ۸۶ درصد دانش‌آموزان و ۷۳ درصد مردم ایران نماز نمی‌خوانند (روزنامه همشهری).

گسترش تکنولوژی ارتباطات، آتن‌های ماهواره‌ای، شبکه اینترنت در کنار مراودات وسیع بیش از ۲ میلیون ایرانی مقیم خارج کشور با بستگان و دوستان خود در داخل کشور، همه اینها کنترل فضای فرهنگی را از دست رژیم خارج کرده است و میلیاردها دلاری که در این زمینه به‌وسیله صدا و سیما و وزارت ارشاد و سازمان فرهنگی

شهرداری‌ها و غیره خرج شده، دود شده و به هوا رفته و نتایج معکوس بیار آورده است .

در کنار چنین وضعیتی شکاف‌های طبقاتی عمیق و عمیق‌تر شده‌اند. آمارهای رسمی به‌عنوان اعتراف به بخشی از واقعیت می‌گویند که ۸۰ درصد ثروت جامعه در دست ۲۰ درصد افراد است. و اما این ۸۰ درصد چگونه زندگی می‌کنند: متوسط درآمدی که می‌تواند حد خط فقر يك خانواده ۵ نفری باشد به‌وسیله مقامات رژیم، ۱۲۰ هزار تومان در ماه اعلام شده است اما حداقل دستمزد يك کارگر در سال جاری ۳۰ هزار و ۵۰۰ تومان تعیین شده و متوسط حقوق کارگران در ایران ۳۵ هزار تومان و متوسط حقوق آموزگاران ساده ۴۰ هزار تومان است و این در حالی است که متوسط نرخ رشد تورم در سال گذشته، سال جاری و سال آینده برطبق محاسبات سازمان برنامه و بودجه حدود ۲۲ درصد اعلام شده است. باز بر طبق همین اعتراف نرخ بیکاری در ایران ۳۰ درصد است و حداقل ۲ میلیون بیکار ثبت‌شده وجود دارد.

حدود ۹ میلیون کودک ۶ تا ۱۴ ساله برای تأمین زندگی خود و خانواده‌هایشان کار می‌کنند که نیم میلیون نفر از آنها کودکان خیابانی‌اند و هیچگونه سرپناهی ندارند. با افزایش جمعیت شهرها، جمعیت محلات حاشیه شهرها در مجموع دو تا سه برابر افزایش یافته است و در مورد شهر تهران ارقام بسیار فراتر هستند. جمعیت حاشیه نشین شهر تهران از ۲۹۱۰۰۰ نفر در سال ۱۳۵۵ به ۲۱۱۴۰۰۰ نفر در سال ۱۳۷۵ رسیده است. در این محلات میلیون‌ها کارگر و زحمتکش تهیدست شهری در آلونک‌ها و در وضعیت بغایت فلاکت‌باری زندگی می‌کنند و از حداقل امکانات شهری (آب و برق و فاضلاب و زباله‌روبی و...) محرومند.

رشوه‌خواری، دزدی و فساد سرتاپای سیستم اداری کشور را فراگرفته است. بنگاه‌های عظیم اقتصادی تحت نام بنیادهای مختلف با شیوه‌های مافیایی بر اقتصاد ایران چنگ انداخته و به‌هیچ ارگان و مرجع رسمی‌ای جوابگو نیستند.

اعتیاد به‌مواد مخدر بیداد می‌کند. بر طبق اعتراف یکی از مسئولین شهرداری تهران، تنها در این شهر روزانه ۵ هزار کیلوگرم مواد مخدر مصرف می‌شود و باز همین

فرد اعتراف می‌کند که سن متوسط فحشاء از ۲۷ سال در سال ۱۳۷۵ به ۲۰ سال در ۱۳۷۸ رسیده است.

جمعیت ۱۶ میلیون و هشتصد هزار نفری طبقه کارگر از هرگونه بهبودی در وضعیت معیشتی خود تحت شرایط موجود ناامید شده است. کارخانه‌هایی که دیگر سودآور نیستند یکی پس از دیگری تعطیل می‌شوند و جنبش کارگری حول خواسته‌هایی از قبیل: پرداخت حقوق عقب‌مانده، بازگشت به کار، امنیت شغلی، افزایش دستمزد، بیمه بیکاری ابعاد بسیار گسترده‌ای پیدا کرده است. رژیم خود اعتراف کرده است که « حرکت‌های کارگری قالب‌های نامتعارف پیدا کرده اند». اما از صدها مورد اعتراض کارگری که طی يك سال گذشته صورت گرفته‌اند شمار کمی از آنها به خواسته‌های خود دست پیدا کرده‌اند و همین واقعیت در موقعیت بحرانی کنونی کارگران را به سوی حرکات تعرضی‌تری سوق می‌دهد.

#### ۴- پروژه خاتمی، تحرکی جدید در جبهه بورژوازی

در چنین وضعیت انفجارآمیزی است که "پروژه خاتمی" برای نجات جمهوری اسلامی و بورژوازی ایران از بحران اقتصادی عمیقی که دامنگیر آنست، مطرح می‌شود. طرح و پیگیری این پروژه از جانب بخشی از رژیم حاکم حاصل رشد دو نیاز و ضرورت سیاسی و اقتصادی همزمان است.

**الف-** مهار جنبش توده‌ای، مهار اعتراضات روبه رشد، پیگیری راه‌های جدید برای حفظ رژیم اسلامی در قدرت.

**ب-** بیرون آوردن سرمایه‌داری ایران از بحران، رفع موانع ادغام آن در سرمایه جهانی انطباق روبنای سیاسی آن با نیازهای بازار جهانی سرمایه.

سرمایه‌داری جهان و بیشتر بخش‌های سرمایه‌داری ایران خواهان رشد و تقویت این روند هستند و دستگاه‌های تبلیغاتی غرب در خدمت آن به کار افتاده‌اند. پروژه جامع مدنی مورد نظر این جناح در جمهوری اسلامی به سرعت مورد پشتیبانی بیشترین بخش‌های طبقه سرمایه‌دار ایران و دولت‌ها و محافل سرمایه بین‌المللی قرار گرفت.

خاتمی و متحدان او در جبهه دوم خرداد کوشیدند با گوشزدکردن خطر يك انقلاب،

جناح راست رژیم را بر سر عقل آورند و آنها را به ضرورت عقب‌نشینی‌های آگاهانه و برنامه‌ریزی‌شده برای مقابله با خطر يك انقلاب بنیانکن، متقاعد سازند.

کارگران و مردم به‌جان آمده که بدیل انقلابی و سوسیالیستی خود را برای رهایی از این وضعیت فلاکت‌بار پیش‌رو نداشتند، با انگیزه‌ها، امیدها، توهمات و یا هدف‌های گوناگون مبهم و یا روشن، در مقابل جناح راست رژیم و نماینده مورد نظر آنها در انتخابات ریاست جمهوری به خاتمی رأی دادند و در دوره‌های دیگر انتخابات (شوراها و مجلس شورای اسلامی ششم) همین روند را ادامه دادند.

۵- محتوای طبقاتی سیاستهای "جبهه دوم خرداد"،

با انتخاب خاتمی به ریاست جمهوری در دوم خرداد ۱۳۷۶ و پیداشدن پدیده‌های تحت عنوان "روند اصلاحات در حکومت اسلامی" بخشی از مردم به اضافه بخش‌های وسیعی از اپوزیسیون بورژوازی رژیم، قشری از روشنفکران در داخل و خارج به این روند دل بستند. هرکدام از این‌ها بخشی و یا تمام آرزوهای خود را در تثبیت موقعیت این پدیده جستجو می‌کنند. عده‌ای به‌زعم خود از خاتمی و جبهه دوم خرداد به‌عنوان ابزاری برای برداشتن گام‌های بعدی استفاده می‌کنند و عده‌ای دیگر این حرکت را آغاز شکل‌گیری يك جامعه مدنی در ایران می‌دانند و در چهره خاتمی و پروژه‌هایش سیمای يك جامعه پیشرفته سرمایه‌داری را مشاهده می‌کنند، سردرگمی‌های سیاسی خود را در لفافه تحلیل‌های سیاسی آشفته‌ای می‌پیچند و در جستجوی کشف "رابطه‌های معنوی بین مدرنیسم و اسلام" هستند!

اما در پس گردوخاکی که برای پوشاندن چهره واقعی این پدیده برپا شده است منافع و مصالح اقتصادی و سیاسی شناخته‌شده‌ای نهفته است که انتخاب‌های سیاسی جدید اپوزیسیون بورژوازی را توضیح می‌دهد و توهمات و کج‌اندیشی‌های این سازمان‌های سیاسی و روشنفکران طرفدار آنها را آشکار می‌سازد. واقعیت این است که همانطوری که قبلاً هم اشاره شد پروژه "جامعه مدنی اسلامی" و جبهه موسوم به دوم خرداد، به‌عنوان راه حلی هم برای نجات حکومت اسلامی از خطر يك انقلاب اجتماعی و هم برای انطباق این رژیم با نیازهای امروز بورژوازی ایران و جهان، جای خود را باز کرده

است. بگذارید با نگاهی گذرا سیر شکل‌گیری و رشد این پدیده را مرور کنیم.

سرکوب انقلاب ایران در اوایل دهه ۶۰ هجری و پایان جنگ ایران و عراق در سال ۱۳۶۷ برای بورژوازی ایران زمینه‌ساز دخالت بیشتر در سیاست به‌طور کلی و طرح سیاست‌های اقتصادی مورد نظر بیشتر بخشهای بورژوازی ایران بطور خاص بود. بورژوازی ایران دیگر از لحاظ اقتصادی و سیاسی خود را در موقعیتی می‌دید که چرخ‌های اقتصاد و سیاست ایران را مطابق نیازهای خود بگرداند. عدم استقلال سیستم قضایی و دخالت مکرر دستگاه‌های دیگر در امور آن، بقای قوانین و مقررات محدودکننده که ریشه‌های مذهبی دارند، بوروکراسی ناکارآمد و دست و پاگیر و پرهزینه، دخالت‌های مکرر نیروهای نظامی و امنیتی در همه امور، وجود دارودسته‌های گوناگون مافیایی اقتصادی و مسلح، این‌ها همه محیط ایران را برای ورود سرمایه خارجی و مشارکت سرمایه داخلی و خارجی ناامن ساخته بود. بورژوازی ایران عملکرد رژیم اسلامی را بیش از این با نیازهای بنیادی خود منطبق نمی‌دید و از این رو خواهان تغییرات لازم در همه عرصه‌ها از جمله شکل دولت، سیستم حقوقی و قضایی، روابط خارجی، روش‌های کار و غیره که بازسازی اقتصاد سرمایه‌داری ایران و شروع دور جدیدی از انباشت سرمایه را ممکن سازد، می‌شود. این طبقه می‌رود تا از جمهوری اسلامی شیر بی یال و دمی بسازد که گویا با واقعیات کنونی جامعه و نیازهای بورژوازی ایران منطبق باشد.

رفسنجانی به‌عنوان کسی که پرچم پاسخگویی به این نیاز را در دست داشت کنترل امور را به‌دست گرفت. در این دوره از لحاظ اقتصادی هدف این بود که الگوهای کنترل دولتی بر اقتصاد و سیاست‌های اقتصادی جنگی، کنار گذاشته شوند و به‌جای آنها سیاست‌های دیکته‌شده از جانب بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول، به‌عنوان الگوهای توسعه اقتصادی ایران، اتخاذ گردند و موانع ایدئولوژیک، سیاسی، حقوقی و اداری موجود از سر راه پیشرفت این روند برداشته شوند. در اجرای این سیاست‌های اقتصادی است که یورش‌های گسترده‌ای بر زندگی توده‌های کارگر در ایران آغاز می‌شود. سیاست تولید برای صادرات و بالابردن بارآوری نیروی کار، به تعطیل‌شدن واحدهای صنعتی و کمتر سودآور منجر می‌شود. کارگران این واحدها بدون هیچگونه تأمین اجتماعی و



پشتوانه‌ای رها می‌شوند و آمار بیکاران مرتباً افزایش می‌یابد. کم‌کردن از هزینه‌های دولت، خدمات اجتماعی ناچیز موجود را نیز باز هم کاهش می‌دهد، قطع سوبسیدها برای تشویق رقابت سرمایه‌داران، فلاکت زندگی اقشار تهیدست و محروم جامعه را به اوج خود می‌رساند و بیش از ۷۰ درصد از مردم را به‌زیر خط فقر می‌کشاند. آزاد شدن نرخ ارز ارزش پول داخلی را به حداقل می‌رساند تا راه برای سرمایه‌گذاری خارجی هموار شود و در مقابل تورم و گرانی سرسام‌آور جامعه را فرا می‌گیرد. رفسنجانی طی ۸ سال حکومت در به‌سرانجام رساندن این پروسه ناکام ماند و نتوانست ثبات لازم را برای جلب سرمایه‌های خارجی تأمین نماید و سرمایه‌داری ایران را از بحران اقتصادی دامگیری خارج سازد. این روند در درون حکومت اسلامی با مقاومت و واکنش‌های مختلفی روبرو شد. منافع باندها و دارودسته‌های مختلف سرمایه در بازار و در صنایع و در شبکه‌های مافیایی اقتصادی با همدیگر در تضاد قرار گرفتند و رفسنجانی با وجود ۸ سال فرصتی که در اختیار داشت، نتوانست به‌عنوان هماهنگ‌کننده بخش‌های مختلف بورژوازی ایران مأموریت خود را با موفقیت به انجام برساند. تا آنجا که به سروسامان دادن اقتصادی ایران مربوط می‌شود، این برنامه‌های روی زمین مانده و اجراء نشده رفسنجانیست که قرار است با "برنامه سوم اقتصادی"، خاتمی دنبال شود.

"قانون مداری" و "جامعه مدنی" مورد نظر خاتمی و جبهه دوم خرداد اجزاء پروژه‌ای هستند که قرار است روینای سیاسی مورد نظر بنگاه‌های بزرگ سرمایه جهانی را بازسازی کند و بورژوازی ایران را پرقدردتر و بلاواسطه‌تر در سیاست‌گذاری‌های سیاسی و اقتصادی دخیل نماید.

سرمایه‌داری ایران بدون مشارکت سرمایه خارجی توان وارد شدن در بازار رقابت‌های منطقه‌ای و جهانی را ندارد و سرمایه خارجی به ثبات سیاسی، به قوانین مناسب، به تبعیت از قوانین بازار جهانی در زمینه حرکت کالا، سود و سرمایه، احتیاج دارد تا به مشارکت با سرمایه ایرانی تشویق شود. بنابراین پروژه جبهه سوم به دوم خرداد از لحاظ اقتصادی چیزی جز زمینه‌سازی برای ادغام بیشتر اقتصاد ایران در بازار جهانی نیست.

اما وظیفه دیگر پروژه دوم خرداد، این است که به‌عنوان وجه تکمیل‌کننده پلاتفرم بورژوازی ایران و جهان حکومت جمهوری اسلامی را از خطر سرنگونی از طریق مبارزه مستقیم رادیکال و قیام مردم، حفظ کند. جبهه دوم خرداد وظیفه دارد که مردم را از انقلاب بترساند و اصلاح حکومت اسلامی را به‌عنوان تنها راه نجات از فلاکت کنونی به توده‌ها نشان دهد.

#### ۶- مبارزه سنگر به‌سنگر برای عقب نشانیدن رژیم،

تا آنجا که به اصلاحات وعده داده‌شده مربوط می‌شود خاتمی نتواسته است به بخش ولو کوچکی از وعده‌هایی که داده بود جامه‌عمل ببوشاند. خاتمی و جناح "اصلاح‌طلب‌شده" جمهوری اسلامی نه در بهبود اوضاع معیشتی و زندگی اقتصادی کارگران و مردم زحمتکش و کم‌درآمد منشأ اثری بوده‌اند و نه به هیچکدام از وعده‌های خود در زمینه آزادی‌های مدنی در ایران عمل کرده‌اند. آزادی بیان، مطبوعات، تشکل، آزادی اعتصاب، لغو قوانین اسارت‌بار مذهبی و مردسالارانه بر زندگی زنان، قوانین و سیاست‌های تبعیض‌آمیز برعلیه ملت‌های تحت ستم و غیره و غیره، هیچکدام در دوره سه‌ساله حکومت خاتمی متحقق نشده‌اند. ترس از اوج‌گیری جنبش انقلابی و آزادیخواهانه مردم خاتمی و متحدانش را در پیگیری وعده‌های انتخاباتیشان محافظه‌کارتر و دست‌به‌عصا کرده‌است. همه آنچه که امروز به‌عنوان گشایش و اوضاع تغییریافته اجتماعی و سیاسی در ایران امروز به‌دست آمده حاصل مبارزه سنگر به سنگر پر از رنج و قربانی‌های فراوان است که مردم آزادیخواه در ایران متحمل شده‌اند و آن را به رژیم اسلامی هم تحمیل کرده‌اند.

#### ۷- سرانجام پروژه خاتمی و جبهه دوم خرداد برای نجات حکومت اسلامی و بیرون

آوردن سرمایه‌داری ایران از بحران چه خواهد بود؟

پاسخ این سؤال را باید در سیر آن جنبش توده‌ای جستجو کرد که برای تغییر وضع موجود برپاشده است. تعمیق و گسترش مبارزه انقلابی این‌گونه پروژه‌های بورژوازی را به حاشیه می‌راند و راه را برای شکل‌گیری بدیل رادیکال و سوسیالیستی هموار خواهد کرد و رکود و خاموشی آن برای چند صباحی دیگر به اینگونه نقشه‌ها و چاره‌جویی‌های

بورژوازی برای خروج از بحران فرصت عرض اندام خواهد داد. واقعیت این است که حتی اگر امکانی برای به نتیجه رسیدن این پروژه از لحاظ برنامه‌ها و اولویت‌های اقتصادی‌اش بتوان تصور کرد، به معنای آن نخواهد بود که کارگران و مردم محروم در ایران در نتیجه اجراء آن روی آزادی و رفاه را خواهند دید. کم نیستند کشورهایی که در آنها پروژه‌های نئولیبرالی مورد نظر بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول کم و بیش به نتایج مورد نظر آنها رسیده است اما فلاکت و سیه‌روزی کماکان بر زندگی مردم این کشورها بال گسترده است.

در شرایط فعلی رژیم اسلامی در برآیند نیروهای دو جناح حکومتی راست و جبهه دوم خرداد اداره می‌شود. طی سه سال اخیر این دو جناح در مقابل مبارزات توده‌ای اختلافات خود را کنار گذاشته و کوشیده‌اند که در مقابل مردم متحدانه ظاهر شوند و حتی عمل کنند. در این گونه مواقع آنها به خوبی درمی‌یابند که هر دو برای نجات رژیم اسلامی به وجود همدیگر احتیاج دارند. اما خاتمی و سیاست‌هایش در جبهه دوم خرداد از هم‌اکنون برای مقابله با موج رو به رشد جنبش توده‌ای کهنه شده‌اند و در آینده‌ای نه‌چندان دور رژیم در برابر این موج ناچار به مقاومت در سنگرهای دیگری خواهد بود. خشونت بیشتر و سرکوب گسترده که در مجادلات درونی رژیم، جناح راست، رقیب خود را از آن می‌ترساند، مسلماً رژیم را از بحران سیاسی دامنگیرش نجات نخواهد داد با اینهمه نباید اقدام به آن‌را از جانب رژیم منتفی دانست.

اما از لحاظ اقتصادی هم رژیم اسلامی از یک طرف نتوانسته است تناقضات درونی خود را حل کند و شرایط لازم برای تشویق سرمایه‌گذاری خارجی در ایران را فراهم آورد و از طرفی دیگر قادر به حل مشکلات معیشتی توده کارگران و مردم هم نیست. کارگران ایران امیدی به بهبود وضعیت کار و معیشت خود تحت شرایط موجود ندارند. بنا به اعتراف سران رژیم دستمزد کارگران بیش از ۵۰۰ کارخانه بیش از یک سال است که پرداخت نشده است و طی سه سال اخیر هزار کارخانه تعطیل و یا در آستانه تعطیلی قرار گرفته‌اند.

واقعیات عینی نشان می‌دهند که مردم ایران از رژیم اسلامی بیزارند و عزم خود را

برای تغییر وضع موجود جزم کرده‌اند. روشن است که در ایران دیگر در بر پاشنه سابق نخواهد چرخید و این جنبش می‌رود تا در ماوراء پروژه‌های محافل سرمایه‌داری ایرانی و جهانی حکومت اسلامی را به نیروی خود از صحنه سیاسی ایران پاک کند. ما خواهیم کوشید به سهم خود بر این روند در جهت تامین منافع و مصالح طبقه کارگر و مردم زحمتکش آگاهانه تاثیر بگذاریم.

## ۲

### تاکتیک‌ها و اولویت‌ها

استراتژی ما کماکان بر مبارزه برای سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی و تحقق شعار آزادی، برابری، حکومت کارگری، استوار خواهد بود. ما می‌کوشیم که در همه جبهه‌ها و مراحل متنوع و مختلف مبارزه برای تحقق استراتژی فوق فعالانه شرکت کنیم. تاکتیک و شعارهای ما در جنبش اعتراضی توده‌ای برای کسب امتیازات مشخص در هر مقطع و بهبود زندگی روزمره کارگران و توده مردم حلقه‌هایی برای نزدیک کردن ما به استراتژی فوق اند. در این راستا وظایف دوره‌ای ما عبارتند از:

۱- **ارائه یک تحلیل سیاسی- طبقاتی روشن از وضعیت سیاسی، اجتماعی جامعه ایران** در شرایط کنونی و تبدیل آن به درک عمومی از طریق تبلیغ مستمر و آگاهانه. افشای ماهیت سیاسی و طبقاتی تبیین‌های مماشات‌جویانه‌ای که بخش‌هایی از اپوزیسیون رژیم برای بزرگ کردن چهره حکومت اسلامی و پروژه‌های "جامعه مدنی خاتمی" و نظایر آن رواج می‌دهند و به‌طور خلاصه ترویج نقد سوسیالیستی وضع موجود.

مقابله با وحشت پراکنی‌هایی که رژیم و جناح‌هایی از اپوزیسیون از عواقب يك انقلاب اجتماعی در ایران اشاعه می‌دهند، از طریق نشان دادن امکان‌پذیری ایجاد تغییرات رادیکال در زندگی کارگران و توده مردم. تبلیغ مطالبات فوری جنبش کارگری، تبلیغ مستمر برنامه حداقل حزب کمونیست در سطح جامعه و تبدیل کردن آن به شعارهای تبلیغی روشن.

جوانانی که زیر بار حکومت اسلامی استعدادهای و شور جوانی‌شان به بند کشیده شده و بهترین سال‌های عمرشان با بیهودگی و ناامیدی تلف می‌شود. زنانی که زیر بار نظام اسلامی، مردسالار، طبقاتی، به شنیع‌ترین شیوه‌ها حقوق اولیه و آزادی‌شان پایمال می‌شود، ملیت‌ها و اقلیتهای تحت‌ستمی که از تبعیض و نابرابری رنج می‌برند و خواهان حق تعیین سرنوشت خویش هستند، مردمی که خواهان آزادی و یک حکومت غیردینی، مترقی و دموکراتیک هستند، همگی بایستی در صف مبارزه ما جایگاه خود را پیدا کنند.

موضع‌گیری‌ها و تبلیغات ما نه تنها نباید به‌خوش‌باوری نسبت به ماهیت جناح موسوم به جبهه دوم خرداد دامن بزند بلکه باید روشن سازد که به‌قدرت‌رسیدن خاتمی بر چه زمینه‌هایی و در نتیجه چه تغییر و تحولاتی در جامعه و به تبع آن در سیاست‌ها و تاکتیک‌های جمهوری اسلامی بوده است. از طرف دیگر باید اثباتاً در مورد ضدیت آن با منافع طبقه کارگر و همچنین محدودیت‌ها، تناقضات و تضادهای بنیانی دولت اسلامی و آموزش‌های مذهبی آن، با پایه‌ای‌ترین اصول دموکراتیک صحبت کنیم. تعارضات و عملکرد استبدادی آن را در زمینه‌های مختلف چه در مورد حقوق زنان، چه در مورد حقوق ملت‌ها، مذاهب، آزادی‌های سیاسی و... روشن سازیم. این دولت که متکی به قانون اساسی جمهوری اسلامی و احکام ولایت فقیهه است جایی برای آزادی و حقوق فردی در جامعه باقی نمی‌گذارد.

## **۲- فراخواندن فعالین و مبارزین کمونیست به شرکت در مبارزات کارگری و روزمره مردم برای بهبود وضعیت معیشتی و تحمیل اصلاحات واقعی و امتیازهای مشخص به رژیم.**

دعوت از توده‌های مبارز برای فراتر بردن جنبش اعتراضی خود از محدوده‌های قانونی در چهارچوب ظرفیت‌های معینی که هر حرکت اعتراضی از آن برخوردار است. موضع‌گیری سریع و به‌موقع در قبال مسایل و رویدادهای مختلف در جامعه که هرکدام به‌نوعی بر شرایط زندگی و مبارزه طبقه کارگر تأثیر می‌گذارند و افشای مواضع جناح‌های مختلف بورژوازی در قبال آنها. در این دوره بایستی بدور از سیاست‌های افراطی و غیرمسئولانه از مبارزات گروه‌های مختلف اجتماعی که به اشکال مختلف علیه استبداد جمهوری اسلامی مبارزه می‌کنند و خواهان اصلاحات در زندگی مردم هستند، پشتیبانی

کنیم.

در خارج از کشور اعمال فشار رادیکال بر کلیت رژیم و بکارگرفتن کلیه نیروها و امکانات موجود برای پشتیبانی از مبارزات کارگری و توده‌ای در داخل کشور کماکان وظیفه تعطیل‌ناپذیر ما خواهد بود.

### ۳- کمک به ایجاد تشکل‌های توده‌ای کارگری در متن اعتراض و مبارزه و

#### در دل شرایط تغییر یافته موجود.

هم‌اکنون تلاش‌های وسیعی در بخش‌های مختلف کارگری در ایران برای ایجاد تشکل‌های توده‌ای در جریان است. در عین حال بورژوازی ایران به تبعیت از بورژوازی جهانی در تلاش است تا بر این روند تأثیر بگذارد و می‌کوشد که سازمان‌های کارگری از همان ابتدا به نوعی پایه‌ریزی شوند که نیازهای بورژوازی را در زمینه کنترل نیروی کار و ایجاد تفرقه در صفوف طبقه کارگر ایران (کارگران صنعتی و غیرصنعتی، کارگران متخصص و ساده)، پایه‌ریزی ساختار بوروکراتیک برای اتحادیه‌ها و "مستقل‌نگه‌داشتن" آنها از تأثیرات رادیکال، در بدو تشکیل و غیره، برآورد سازند. با درک و شناخت این سیاست بورژوازی ایران بایستی تلاش کرد تا سازمان‌های کارگری وسیع که بخش‌های مختلف کارگران صنایع و خدمات و کارگاه‌های کوچک و کارگران فصلی و ساختمانی و غیره را دربر بگیرد، تشکیل شوند. بایستی از فضای جدیدی که در زمینه امکان شکل‌گیری تشکیلات‌های توده‌ای کارگری به وجود آمده است، حداکثر استفاده را نمود. در این رابطه لازم است که حزب در مقیاس سراسری دارای الگوهای تبلیغی و سیاست روشنی باشد.

### ۴- تلاش برای ایجاد یک آلترناتیو سوسیالیستی در ایران.

سازمان‌ها، گروه‌ها و محافل، عناصر مبارز منفرد چپ، طیف وسیعی از انقلابیون رادیکال و سوسیالیست ایران را تشکیل می‌دهند که هم در خارج کشور و هم در داخل کشور به اشکال مختلف فعالیت می‌کنند. انجام اقداماتی که این نیروی وسیع و پراکنده را هرچه متحدتر و با همبستگی بیشتری در تحولات سیاسی ایران دخیل سازد.

۵- پشتیبانی فعال از خواسته‌ها و مبارزات کارگری در ایران،

انتشار سریع اخبار این مبارزات، همکاری و هماهنگی با گروه‌های چپ و مبارز که برای شرکت در کمپین‌های پشتیبانی از کارگران ایران اعلام آمادگی می‌کنند. تماس با اتحادیه‌ها و مجامع کارگری جهانی و جلب حمایت آنها از مبارزات کارگران ایران.

## فصل دوم

### ۱

#### اوضاع سیاسی و اجتماعی کردستان

حاکمیت رژیم اسلامی در کردستان ایران کماکان بر زور و سرکوب متکی است، و کردستان ظاهر سرزمین اشغال‌شده‌ای را دارد که در آن نیروهای مسلح و دستگاه‌های اطلاعاتی رژیم امنیت را از مردم سلب کرده‌اند. با اینکه مبارزه مسلحانه نیروی پیشمرگ در اثر توافقات احزاب کردستان عراق با جمهوری اسلامی در زمینه ممانعت از عبور نیروی پیشمرگ از مرزها با محدودیت جدی روبرو شده است، با این وجود هنوز لشکرها و قرارگاه‌های متعدد ارتش و سپاه پاسداران در کردستان مستقر هستند و این نشانه اوج نگرانی و هراس از آینده قدرت حکومت اسلامی در کردستان است و این واقعیت را نشان می‌دهد که حاکمیت رژیم اسلامی در این منطقه بدون زور سرنیزه تأمین نمی‌شود. در زمینه شرایط کار و زیست و معیشت، اکثریت مردم در شرایط بسیار سخت و طاقت‌فرسایی زندگی می‌کنند. نرخ بیکاری بیش از ۲۰ درصد است و احداث بعضی از پروژه‌های تولیدی که مقامات رژیم وعده تأسیس آنها را داده بودند یا شروع نشده و یا اگر شروع شده نیمه‌کاره رها شده‌اند.

میانگین سن در کردستان پایین‌تر از ۶۰ سال است که در مقایسه با میانگین سن در بقیه ایران کمتر است. بخش زیادی از کودکان در کردستان به دلیل نبودن بهداشت و درمان مناسب و اختصاص ندادن بودجه لازم به این امر از جانب دولت در همان اوایل کودکی جان خود را از دست می‌دهند.

نرخ بیسوادی بالاتر از دیگر نقاط ایران است و جوانان برای دستیابی به تحصیلات

عالی باید از آزمونهای متعدد ایدئولوژیک و ارزیابی سیاسی و غیره عبور کنند. توزیع مواد مخدر بر طبق برنامه وزارت اطلاعات در میان جوانان گسترش پیدا کرده است به طوری که دسترسی به آن در شهرهای کردستان بسیار آسان است و این سیاست ضدانسانی و جنایتکارانه خانواده‌ها در اضطراب و نگرانی دایمی نگهداشته و زندگی بسیاری از جوانان را به تباهی کشانده است.

در حالی که روزانه ده‌ها نفر از زحمتکشانی که برای تأمین حداقل مایحتاج روزانه خود به نقل و انتقال کالاهای مورد نیاز مردم در دو سوی مرز کردستان ایران و عراق می‌پردازند، بازداشت، تاراج و یا کشته می‌شوند؛ وزارت اطلاعات و سپاه پاسداران و مافیای اقتصادی زیر نظر آنها به قاچاق انواع کالاها از قبیل سیگار و مشروب، دستگاه‌های الکترونیکی و غیره می‌پردازند و منافع آن مستقیماً به جیب این دستگاه‌ها و دار و دسته‌ها سرازیر می‌شود.

کردستان از لحاظ صنعتی، خدماتی، بهداشت و رفاهی عمداً عقب نگاه داشته شده است. در کردستان کودکان از خواندن و نوشتن به زبان مادری خود محروم هستند. مسئولین اداری و حکومتی از بالا و از میان مهره‌های سرسپرده رژیم بر مردم تحمیل می‌شوند. کردستان بالاترین میزان بیکاری، بالاترین میزان بیسوادی، بالاترین میزان مرگ و میر نوزادان، بالاترین درجه اعتیاد به مواد مخدر، پایین‌ترین حد متوسط سن و... را در مقایسه با بیشتر استان‌های ایران داراست. بعنوان مثال به نقل از منابع خود رژیم می‌خوانیم که سهم استان اصفهان از بودجه صنعتی در برنامه اول ۲۶۰ برابر سهم استان کردستان بوده است. سالانه صدها هزار کارگر در کردستان خانه و کاشانه خود را رها می‌کنند و برای یافتن کار و تأمین یک زندگی بخور و نمیر راهی مناطق دیگر ایران می‌شوند.

در کنار همه این ستم و محرومیت‌هاست که کارگران کردستان مانند دیگر توده‌های هم‌سرنوشت خود در ایران به وسیله سرمایه‌داران کرد و غیرکرد استثمار می‌شوند، زنان زیر فشار مناسبات مردسالارانه و ارتجاعی پامال می‌شوند، سال‌های رشد و شکوفایی جوانان زیر فشار روابط سنتی و محدودیت‌های ارتجاعی به هدر می‌رود و... همه این



دردها و مصائب است که زمینه‌های مادی و اجتماعی مقاومت توده‌ای را در این منطقه فراهم کرده است و پایه اجتماعی جریان رادیکال و سوسیالیست را تشکیل می‌دهد. کومه‌له می‌خواهد همه جنبه‌های این مبارزه وسیع اجتماعی را برای بهبود شرایط زندگی امروز و برای رهایی نهایی، سازمان دهد.

از آنجا که کردستان جامعه‌ای است که در آن احزاب سیاسی پایه‌های اجتماعی نیرومندی در میان مردم دارند، رژیم در اینجا سیاستهای خود را با دقت و حساسیت بیشتری اجرا می‌کند و می‌کوشد که میدان عمل مردم را در مقایسه با نقاط دیگر ایران بیشتر محدود کند. رژیم نگران است که کوچکترین گشایشی در کردستان کنترل اوضاع را به‌کلی از دست او خارج کند، از این‌روست که با اتکاء به نیروهای اطلاعاتی و نظامی خود همواره سعی نموده که اوضاع را شدیداً تحت کنترل داشته باشد.

## ۲

### جهت‌گیری سیاسی ما

اوضاع تغییر یافته کنونی در ایران جامعه کردستان را نیز در مقابل مسائل جدیدی قرار داده است. مردم کردستان که سابقه سالهای طولانی از مقاومت در برابر حاکمیت سرکوبگرانه رژیم اسلامی را پشت سر دارند در این دوره نیز همپای جنبش سراسری در کارزاری که علیه حکومت اسلامی برپا شده است مشارکت دارند. کومه‌له می‌تواند و باید در این جنبش توده‌ای نقش هدایت کننده و آگاهانه خود را به بهترین نحوی ایفا نماید. ما در بخشهای دیگر این گزارش به جنبه‌های گوناگون سیاست خود در زمینه‌های مختلف خواهیم پرداخت. آنچه که در این جا بایستی مورد تاکید قرار بگیرد این است که در این دوره بایستی شعارها و جهت‌گیریهای سیاسی کومه‌له به پرچم جنبش توده‌ای در کردستان تبدیل شود. از این لحاظ اگرچه کومه‌له در آغاز کار نیست و سابقه درخشان و مثبتی را پشت سر خود دارد اما روشن است که اتکای صرف بر این پیشینه به هیچ وجه حوابگوی نیازهای جدید امروز جامعه و جنبش ما نیست. رکود مبارزه مسلحانه، طولانی شدن دوره اختناق و پیداشدن نسل جدیدی از کارگران و مبارزین انقلابی که خود مستقیماً در کوران این سابقه و سنتها قرار نداشته‌اند، کار توده‌ای کردن سیاست،

خطمشی، آرمان‌ها و تشکیلات کومه‌له در جامعه امروز کردستان را کماکان همچون وظیفه حیاتی ما قرار می‌دهد.

روشن است که در چهارچوب قوانین موجود جمهوری اسلامی البته کار زیادی نمی‌شود کرد اما شرایط لازم برای فراتررفتن از قوانین موجود فراهم شده است. مبارزه سیاسی با فراتررفتن از محدوده‌های تعیین‌شده قانونی، این آن مسیریست که بایستی آنرا آزمود و پیمود. به هر درجه‌ای که رژیم تحت فشار مبارزه مستقیم مردم ناچار از عقب‌نشینی شود بایستی جنبش اعتراضی و توده‌ای برعلیه وی را مستقل از جناح‌بندی‌های درونی آن به جلوتر برد. جنبش توده‌ای و آزادیخواهانه مردم بطور اجتناب ناپذیری به محدوده‌های فراقانونی پای می‌گذارد، این حرکت را بایستی تشدید و تسریع نمود.

در زمینه مسئله ستم ملی، شواهد نشان می‌دهد که بخشی از رژیم به این نتیجه رسیده است که به انجام رفرم‌های معین و کنترل شده‌ای در این زمینه دست بزنند. (آموزش زبان کردی، گماردن شماری از مسئولین کردزبان در پست‌های محلی و...) این که دامنه رفرم‌ها چه اندازه است و به چه امری خدمت می‌کند مسئله جداگانه‌ایست، اما نفس این جهت‌گیری رژیم جنبش انقلابی را در موقعیت جدیدی قرار خواهد داد و دست این جنبش را در مبارزه برای پیگیری اهداف مستقل خود بازتر خواهد کرد. این معنایش این است که تناسب قوای سیاسی به نفع جبهه ما تغییر کرده است. وقتی خود بورژوازی به این نتیجه می‌رسد این وضع باید تغییر کند دیگر به‌سادگی نمی‌شود جلو مبارزات اعتراضی توده‌هائی را که این تغییرات را کافی نمی‌دانند، گرفت. همین واقعیت نشان می‌دهد که جریان ما نیز باید توجه لازم را به این مسئله مبذول دارد و نقشه‌های ریاکارانه رژیم را در این زمینه خنثی نماید.

وقتی بحران سیاسی و اجتماعی در جامعه‌ای مانند کردستان بالا می‌گیرد زمینه پذیرش تاکتیک‌های توده‌گیر نیز مساعدتر می‌شود، اینجاست که رفرم‌های دست‌پخت رژیم به بن‌بست می‌رسند و خواست‌ها و توقعات مردم رادیکال‌شونده مردم آنها را پشت سر می‌گذارد.

مسئله اصلی این است که چگونه و از چه راه‌هایی جنبش اعتراضی موجود را هماهنگ

کنیم که به اهداف قابل حصول و پیروزی‌های کنکرت دست یابد؛ از پیشروی خود نیرو بگیرد و اتحاد و همبستگی خود را برای پیشروی‌های بعدی پایدار نگه بدارد. در این رابطه درك شرایط مشخصی که این حرکت‌ها در آن جریان دارند و تحلیل درست و واقع‌بینانه آن مسلماً ما را به درپیش‌گرفتن تاکتیک‌های درست و کارساز سوق می‌دهد.

شرایط کنونی جامعهٔ کردستان این امکان را فراهم کرده است که کومه‌له بتواند از دیوار اختناق رژیم عبور کند و در تناسب قوای موجود در راه توده‌ای‌ترکردن شعارها و آرمان‌ها و تشکیلات خود گام‌های بلندی را بردارد. برای کسب آزادی‌های سیاسی و ایجاد شکاف در دستگاه اختناق و سرکوب نمی‌توان به انتظار نشست، این آزادی‌ها را بایستی به‌دست آورد. درپیش‌گرفتن تاکتیک‌های درست در این زمینه نقش تعیین‌کننده‌ای خواهد داشت. اگر در يك دوره برگزیدن تاکتیک مقاومت مسلحانه در برابر تهاجم رژیم به کردستان کومه‌له را در دل جامعهٔ کردستان مستقر کرد، مسلماً در شرایط تغییر یافتهٔ کنونی نیز در کنار ادامهٔ این فعالیت بایستی در جستجوی تاکتیک‌های درست دیگری برای تداوم و پیشبرد این موقعیت بود.

### ۳

#### **فعالیت‌های سازمانی ما در کردستان، جهت‌گیری و روشهای کار**

شاخه‌ای از فعالیت‌های سازمانی ما که تحت هدایت کمیتهٔ تکش انجام می‌شود همواره موضوع ارزیابی‌های انتقادی قرار داشته است. غالباً از عدم پیشرفت کار ما در این عرصه سخن گفته می‌شود. در کنگرهٔ قبلی کومه‌له (کنگرهٔ هشتم، تیرماه ۷۴) کوشیدیم تا يك دوره‌بندی از فعالیت خود از ۱۳۵۷ تا آن‌هنگام را ارائه دهیم. هدف این بود که اشکالات کار خود را در مقاطع مختلف با دقت بیشتری ببینیم. این دوره‌بندی و ارزیابی را اکنون هم می‌توان پذیرفت، اما آنچه که در اینجا مورد نظر ماست، این است که زمینه‌های امروزی بسط و گسترش فعالیت‌های تشکیلاتی خود را در شهرهای کردستان بشناسیم.

شکی نیست که اوضاع و احوال اجتماعی و سیاسی نقش تعیین‌کننده‌ای در پیشبرد فعالیت سازمانی ما دارد. اگر جنبش انقلابی کارگری و توده‌ای در حال عقب‌نشینی است نمی‌توان به شیوه‌ای اراده‌گرایانه و صرفاً با درپیش‌گرفتن سیاست‌های سازماندهی شسته و رفته شاهد گشایش و پیشرفت‌های سریعی باشیم. کار سازمانی در دوره‌های انقلابی و یا دوره‌هایی که جنبش‌های اعتراضی به‌طور نسبی وسیعی در جریان است، نتایج کاملاً متفاوتی در مقایسه با دوره‌های رکود و حاکمیت اختناق و سرکوب به‌بار می‌آورد. کومه‌له دارای پایه‌ای اجتماعی و نفوذ چشمگیری در میان کارگران و توده‌های مردم کردستان بوده و هست. اگر این نفوذ اجتماعی به سازمانیابی توده‌ای و کارگری متناسب با آن در ۱۰ سال اخیر منجر نشد اساساً به این دلیل بود که حرکت‌های اعتراضی کارگری و توده‌ای برای چند سال در این دوره به رکود کشیده شدند. رهبری هدایت‌کنندهٔ تشکیلات ما در این عرصه می‌بایستی با شناخت شرایط جدید اولویت‌ها و وظایف دیگری را در دستور کار خود می‌گذاشت. جوهر و روح استراتژی ما در جنبش کردستان، تشخیص وظایف متفاوتی است که در دوره‌های مختلف بر دوش ما قرار می‌گیرد.

ما در گذشته شرایط مساعد و فرصت‌هایی را برای تثبیت موقعیت تشکیلاتی خود در شهرهای کردستان از دست داده‌ایم. پاسخ به این سؤال مهم است که چرا کار تکش در سال‌های اخیر پیشرفت چندانی حاصل نکرد؟ آیا سیاست و نظریهٔ درست در این زمینه وجود نداشت؟ آیا به آن نیروی کافی در حد کار در سازمان مرکزی تکش اختصاص داده نشد؟ پاسخ مثبت به هرکدام از این سؤالات اگرچه بخش کوچکی از واقعیت را دربر دارد اما مسلماً تمام واقعیت نیست. مسئلهٔ واقعی این است که ما فعالینی را که بتوانند با استفاده از فرصت‌های مساعدی که به‌دست می‌آید به‌کار سازمانی در این عرصه‌ها پردازند، نداشتیم. طیف کسانی که طی سالها به این کار مأمور می‌شدند غالباً در یک سنت و تجربهٔ دیگری بار آمده بودند، در سنت و تجربهٔ مبارزهٔ پیشمرگانهٔ نظامی، که با مسایل جامعه شهری و جنبش در شهرها به‌تدریج بیگانه و بیگانه‌تر شده بودند. تیپ آدم‌های پخته‌تر و باتجربه‌ای که از شهرهای کردستان با پشت‌سرگذاشتن خطرات

بسیار، مخفیانه به تکش مراجعه می‌کردند و با رفقای دست‌اندرکار ما در این عرصه‌ها به گفت‌وگو می‌نشستند به این نتیجه رسیده بودند که این سفرها خطرش بیش از دست‌آوردش است.

به‌طور خلاصه دو عامل زیر در رکود کار تشکیلاتی ما در شهرهای کردستان تأثیر تعیین‌کننده‌ای داشتند:

**الف-** رکود جنبش‌های اعتراضی توده‌ای، **ب-** کمبود کادر کارآموده و عینی برای کار در این عرصه در محل و نیز در مرکز هدایت این عرصه. با این همه در مقایسه با سال‌های اخیر اکنون شرایط متفاوت و به‌طور نسبی مساعدتری برای کار سازمانی ما در شهرهای کردستان ایجاد شده است. رئوس این تفاوت‌ها را می‌توان چنین خلاصه کرد:

**الف-** رعب و وحشتی که رژیم اسلامی طی دو دهه در جامعه برپا کرده بود به درجه زیادی فرو ریخته است. هشیاری سیاسی و بیداری اجتماعی تناسب قوا را در مقیاس سراسری به نفع جبهه مردم تغییر داده است و مردم کردستان نیز با این موج مبارزه سراسری همگام اند و در پیشبرد آن سهم برجسته‌ای را به‌عهده گرفته‌اند. به تبع چنین وضعیتی تمایل به کار سازمانی و فعالیت متشکل در کردستان افزایش پیدا کرده است.

**ب-** اگر در گذشته و به‌خصوص در سال‌های نخست جنبش مسلحانه اکثریت کادرها و چهره‌های سرشناس جنبش توده‌ای علنی شده و به فعالیت پیشمرگانه پیوسته بودند، اکنون شاهد سربلندکردن نسل جدیدی از فعالینی هستیم که از درون حرکت‌های اعتراضی و مبارزات علنی و توده‌ای این دوره سر برمی‌آورند و ستون فقرات فعالیت سازمان یافته جدیدی را می‌سازند. این نکته حائز اهمیت فراوان است که به‌طور طبیعی در متن چنین حرکت‌های مبارزاتی است که فعالین و رهبران کارآمد بار می‌آیند و تجربه می‌اندوزند. کار ما این است که در پیشبرد این روند آگاهانه و مسئولانه دخالت کنیم. به‌طور خلاصه امروز ماتریال انسانی جدیدی برای گسترش فعالیت‌های کومه‌له در کردستان در مقیاس وسیع فراهم آمده است.

وقتی از وظایف تشکیلاتی خود در این دوره صحبت می‌کنیم بحث بر سر سازماندهی

حوزه‌های حزبی محدود و معین نیست. تا آنجا که به ایجاد چنین حوزه‌هایی در یک شرایط غیرانقلابی مربوط می‌شود روش کار ما همان است که در گذشته نیز معمول بوده است. عدم تمرکز، سازماندهی منفصل، روابط سازمانی و ارتباطات محدود و غیره، روش کار ما خواهد بود. نتیجه کار در چنین شرایطی با توجه به عوامل مختلف بدون شك نمی‌تواند گسترش چشمگیری در حجم تشکیلاتی باشد که بدین ترتیب شکل می‌گیرد. اما اگر حتی بطور نسبی صحبت از عوض شدن شرایط سیاسی جامعه است و اگر صحبت از تغییر تناسب قوا در مقیاس اجتماعی و سراسری است، در این صورت به همان نسبت بایستی به گسترش فعالیت‌های تشکیلاتی در مقیاس بزرگتر پرداخت. با توجه به آنچه که گفته شد محورهای اصلی کار ما در این دوره عبارت خواهند بود از:

**الف-** کمک به رشد و پیشرفت جنبش توده‌ای و کارگری که زمینه‌های آن ایجاد شده است و ب- دخالت آگاهانه در جریان خودسازماندهی در درون این حرکت‌ها.

نفوذ توده‌ای و اجتماعی کومه‌له که حاصل بیش از دو دهه حضور این تشکیلات در مرکز مبارزات سیاسی این جامعه و دفاع از حقوق و آزادی‌های اولیه مردم کردستان است؛ حاصل مبارزه‌ای مسلحانه پر از فداکاری در دفاع از دست‌آوردهای یک جنبش مردمی حق طلب و آزادیخواه است، می‌تواند در شرایط مساعد و تغییر یافته کنونی به سازمانیابی وسیع در عرصه‌های مختلف، در کارگاه‌ها و مراکز کارگری، در محلات و مناطق فقیرنشین، در دانشگاه‌ها و مدارس، در میان جوانان و زنان، منجر شود.

کاری که مراکز رهبری و تشکیلات علنی ما می‌تواند در این رابطه انجام دهد عبارت است از سازمان دادن شبکه‌های پیچیده ارتباطاتی و درست کردن مراکز از بالا و غیره نیست. ما می‌توانیم بدون وارد شدن در چنین پروسه‌ای به کمک ارگان‌های تبلیغی و ترویجی خود (رادیو، نشریات، ارتباطات الکترونیکی، شبکه‌های پستی دولتی، روش‌های ابتکاری تبلیغی در مقیاس وسیع و...) امر سازمانیابی در مقیاس وسیع را تسریع کنیم.

جریان چپ و رادیکال در این جنبش‌ها و حرکت‌ها عملاً خود را به نام کومه‌له و تحت این پرچم متشکل خواهد کرد. رهبری سیاسی جنبش توده‌ای و کارگری نقش مهمی در هدایت عمومی این حرکت سازمانی گسترده خواهد داشت. این نیاز بایستی با به‌کارگیری

ابزارهای عمومی، با پیگیری و جدیت تمام برآورده شود. این رهبری می‌تواند هم از افتادن حرکت بدام سیاست‌های سازشکارانه و مامشات‌جویانه‌ای که به طرفداری از این یا آن جناح رژیم و اپوزیسیون‌های بورژوازی، جلوگیری کند و هم از چپ‌روی‌ها و افتادن به دام احساسات زودگذر و عمل‌نکردن در چهارچوب ظرفیت‌ها و امکانات تناسب قوای واقعی، جلوگیری نماید. آموزش‌های ما در این رابطه قبل از این که از راه فراخواندن این فعالین به پشت مرزها به صادرکردن رهنمودهای فشرده ۲۴ساعته باشد، بایستی در مقیاس وسیع و علنی و از طریق ابزارهای عمومی برقرار شود. به‌عنوان مثال روش‌های کار علنی و فعالیت در شرایط قبل از برآمد توده‌ای و در شرایط انقلابی، طی جزوه یا جزوات جدیدی وسیعاً ترویج شود. چنین ادبیاتی در دسترس این فعالین قرار بگیرد. بطور خلاصه: آنچه که کمیته مرکزی کومه‌له باید بکند این است که: وضعیت سیاسی کنونی را تحلیل کند و روش‌های کار و مبانی فعالیت سازمانی خود را روشن سازد، این خط و جهت خود را وسیعاً تبلیغ نماید و دست فعالین محلی را در سازماندهی حزبی و غیرحزبی در مقیاس وسیعی باز بگذارد.

#### ۴

### دربارهٔ شکل‌های توده‌ای

سازمان‌های کارگری: قبلاً گفتیم در این زمینه رژیم خود بنا به مصالح بورژوازی ایران در شهرهای بزرگ و صنعتی در حال بازکردن فرجه‌های جدیدی در این زمینه است. اما اگر رژیم می‌خواهد از گسترش دامنهٔ این حرکت به کردستان به میان کارگران فصلی، کارگران کارگاه‌های کوچک و غیره جلوگیری کند ما بایستی با تبدیل کردن آن به یک مطالبهٔ عمومی به امر تشکلیابی کارگران کردستان کمک کنیم. با خارج کردن کارگاه‌های کوچک از شمول قانون کار که در ماه‌های اخیر صورت گرفت، بیش از ۸۰ درصد از کارگران کردستان از ابتدایی‌ترین حقوق برای متشکل شدن و پیگیری مطالبات خود از راه‌های قانونی محروم شده‌اند. این سیاست ضد کارگری بایستی بی‌اثر شود. از این‌رو تشکیل اتحادیه‌های کارگری که کارگران این کارگاه‌ها را در بر بگیرد،

اولویت مهم مبارزات کارگران در این دوره است.

وجود طیف وسیعی از کارگران رادیکال و مبارز در کردستان به ما امکان می‌دهد که به کمک شرایط موجود به فراخوان ایجاد تشکل‌های کارگری بپردازیم. مشخصات این طیف را چنین می‌توان خلاصه کرد: اینها کارگرانی فعالی هستند که در مقابل پایداری شدن حقوق دیگر کارگران حساسند و از خود عکس‌العمل نشان می‌دهند؛ از وضع موجود ناراضی‌اند و نابرابری‌های اجتماعی و تفاوت‌های طبقاتی را حکمی ازلی و ابدی و آسمانی نمی‌دانند؛ طرفدار برابری و سوسیالیسم هستند و به‌عنوان جامعه‌آینده‌آل خود به آن فکر می‌کنند؛ به هر درجه‌ای که فضا برای فعالیت علنی باز می‌شود این طیف در شکل دادن به تشکلهای توده‌ای نقش تعیین‌کننده‌ای پیدا خواهند کرد.

**سازمان جوانان:** باتوجه به جمعیت وسیع جوانان در کردستان؛ باتوجه به نیازهای سرکوب‌شده آنان تحت حاکمیت سنت‌های ارتجاعی؛ باتوجه به افق ناروشن و نگرانی‌های آنان برای زندگی سعادت‌آمیز آینده؛ باتوجه به شور و شوق سیاسی و مبارزاتی که به‌ویژه در دو سه سال اخیر در میان آنان رشد کرده است، زمینه‌های مساعدتری برای کومه‌له بمنظور تعقیب یک سیاست نقشه‌مند در این زمینه فراهم گردیده است. توجه جدی به حرکت‌های مبارزاتی این قشر اجتماعی وسیع و سازماندهی آن، یک امر حیاتی پیشرفته در جنبش توده‌ای کردستان است. به این منظور علاوه بر پشتیبانی از اشکال متنوع سازمانیابی آن، لازم است که ایجاد یک سازمان سراسری جوانان کردستان در دستور کار قرار گیرد و از هم‌اکنون ملزومات ایجاد آن فراهم گردد. در این رابطه تأکید بر نکات زیر لازم است: الف- این سازمان علنی خواهد بود و بایستی بتواند در چهارچوب تناسب قوای کنونی امکان موجودیت علنی خود را به‌وجود بیاورد و ب- ساختار تشکیلاتی این سازمان دمکراتیک و غیرحزبی است. رابطه کومه‌له با آن رابطه‌ای معنوی خواهد بود. فعالین کومه‌له کوشش خواهند کرد که آگاهانه به تقویت و پیشبرد اهداف اعلام‌شده آن یاری برسانند. ج- نشریه و ابزارهای خاص برای فعالیت خود را فراهم خواهد ساخت. بر اساس اصول تشکیلاتی مشابهی می‌توان به تدارک تشکیل سازمان سراسری زنان کردستان نیز اقدام نمود.



مشارکت و کمک به توسعه فعالیت‌های هنری، ادبی و فرهنگی پیشرو در کردستان نیز از آن عرصه‌هایی است که کومه‌له در این دوره بایستی نقش آگاهانه و فعالانه‌تری را در آن ایفاء کند.

## ۵

### مبارزه مسلحانه و نیروی مسلح کومه‌له

امروز در حالی که احزاب ناسیونالیست کرد می‌کوشند با رواج دادن سطحی‌نگری در مورد ماهیت رویدادهای سیاسی در منطقه، توهم‌پراکنی و اشاعه خوش‌باوری نسبت به وعده‌های دولتهای حاکم مردم را از یکی از ابزارهای مبارزه و مقاومت خود محروم کنند؛ در شرایطی که جنبش مسلحانه در کردستان ایران در سال‌های اخیر عقب‌نشینی‌های زیادی را متحمل شده است و در حال حاضر نیز با محدودیت‌های زیادی از لحاظ استفاده از مناطق پایگاهی و امکانات پشت جبهه‌ای خود روبروست؛ در شرایطی که وضعیت عمومی جامعه کردستان به تاکتیک‌ها و سیاست‌های عملی دیگری در جنبش توده‌ای اولویت بخشیده است، در چنین شرایطی می‌کوشند مقاومت و مبارزه مسلحانه را فاقد اعتبار و کارآیی و غیرمؤثر اعلام کنند.

دولت آمریکا، احزاب سوسیال‌دموکرات و دولتهای اروپایی در حالیکه خود تولیدکننده و صادر کننده ابزارهای متنوع اعمال خشونت و سرکوب هستند، در حالیکه خود از سازمان دهندگان و مجریان کشتارهای جمعی و سرکوب‌های خونین در گوشه و کنار دنیا هستند، توحش و خشونت لجام گسیخته دولتهای منطقه را عملاً مورد تایید و پشتیبانی قرار می‌دهند به کمک دستگاههای تبلیغاتی خود، قربانیان این جنایتها را به در پیش‌گرفتن راههای مسالمت آمیز دعوت می‌کنند و مردمی را که نمی‌خواهند کت بسته به مسلخ برده شوند به آرامش و اجتناب از مبارزه مسلحانه دعوت می‌کنند. آنها بدین ترتیب تلاش می‌کنند که مردم انقلابی را از یکی از ابزارهای مهم مبارزه و مقاومت خود به‌طور استراتژیک محروم نمایند؛ در چنین شرایطی تأکید بر جهت‌گیری و سیاست‌های

قبلی ما در این زمینه يكبار ديگر ضروری شده است.

کومه‌له سازمانی‌ست که بازوی مسلح یا شاخه نظامی دارد. این عرصه از مبارزه کومه‌له در کردستان از پشتیبانی وسیع و بی‌دریغ توده‌های مردم برخوردار بوده و نقش برجسته‌ای در دفاع از مردم زحمتکش، در جلوگیری از برقراری حاکمیت حکومت اسلامی در کردستان و در توده‌ای‌کردن و اجتماعی‌کردن جریان رادیکال کمونیستی ایفاء کرده است. مبارزه مسلحانه برای ما بخشی از مبارزه سیاسی برای تحقق استراتژی ما در جنبش کردستان است.

شرایط بسیار متغیر این منطقه، وجود دولت‌های سرکوبگری که حقوق و آزادی‌های اولیه مردم را پایمال می‌کنند و زبانی جز زبان زور و سرکوب و ارعاب برای روبروشدن با مخالفان خود نمی‌شناسند؛ دستجات مسلح جوراجور اپوزیسیون با گرایش‌ها و سیاست‌های ارتجاعی که جلو فعالیت‌های کمونیستی سنگاندازی می‌کنند؛ تجربه سال‌های اخیر در نقاط مختلف دنیا و از جمله در خود کردستان؛ همه و همه اهمیت پافشاری ما را بر حفظ و تقویت ظرفیت‌ها و امکانات نیروی مسلح، به‌عنوان یکی از شاخه‌های فعالیت کومه‌له تأکید می‌کنند.

در شرایطی که جمهوری اسلامی از هر سو کردستان را مورد تهاجم نظامی قرار داده بود و امنیت را از منطقه سلب و حقوق و آزادی‌های اولیه مردم را به وحشیانه‌ترین شیوه پایمال می‌کرد و با هر مخالفتی با حربه سرکوب و زندان شکنجه روبرو می‌شد، فراخوان کومه‌له به مقاومت مسلحانه‌ای که خود در صف مقدم آن قرار داشت مورد پشتیبانی توده‌ای قرار گرفت. جنگ در کردستان محصول شرایطی بود که جمهوری اسلامی بر مردم تحمیل کرده است. تا زمانی که این شرایط باقیست این شکل از مبارزه و مقاومت کماکان در دستور خواهد بود و یکی از اشکال مبارزه ما باقی خواهد ماند. حجم و کمیت آن، تغییر تاکتیک‌ها و سیاست ناظر بر آن در شرایط مختلف از تحلیل‌های مشخص ما از اوضاع و احوال سیاسی در هر دوره‌ای تبعیت خواهد کرد. اما تا زمانی که دشمنان تا دندان مسلح‌اند و با اعمال قهر و خشونت آزادی‌ها و حقوق مردم زحمتکش را پایمال می‌کنند فعالیت شاخه نظامی کومه‌له نیز در دستور کار باقی خواهد

بود.

باتوجه به تحلیل مشخص از شرایط کنونی که قبلاً به آن اشاره شد، سیاست‌های عملی ما در زمینه کار مسلحانه در این دوره بر خطوط زیر متکی خواهد بود:

۱- حفظ بازوی مسلح کومه‌له، حفظ ظرفیت‌های مبارزه مسلحانه، تقویت و گسترش آن در حد نیازها و مقدرات این دوره.

۲- بالابردن سطح آموزش‌های فنی و نظامی، جمع‌بندی تجارب تاکتونی، شناختن نقاط قوت و ضعف فعالیت‌های نیروی مسلح، ترویج يك درك اجتماعي، رادیکال و سوسیالیست از فعالیت نیروی مسلح، شیوه کار و نحوه برخورد با مردم، هماهنگی با عرصه‌های دیگر مبارزه و...

۳- حفظ هوشیاری نظامی در دفاع از ارگان‌ها و فعالیت کومه‌له در اردوگاه‌ها. دادن چهره نظامی و منضبط به این نیروها و مکان‌های استقرارش، تعیین ضوابط روشن‌تر نظامی، آمادگی برای روبروشدن با شرایط اضطراری، تعریف وضعیت آماده‌باش، انجام اقدامات قاطع ضدخراب‌کاری و ضد عوامل نفوذی.

## ۶

### رئوس سیاست و برنامه عمل ما در قبال مسئله کرد در کردستان ایران

۱- مردم کردستان تحت سلطه رژیم‌های مختلف حاکم در ایران علاوه بر تحمل اشکال مختلف بی‌حقوقی سیاسی و اجتماعی در يك جامعه طبقاتی، از تبعیض و ستم ملی نیز رنج برده‌اند. مردم کردستان در سیاست‌های عملی و حتی رسمی و در قوانین این رژیم نیز عملاً شهروندان درجه دوم جامعه ایران به حساب آمده‌اند. عقب‌نگاه داشتن اقتصادی منطقه کردستان برطبق يك سیاست تبعیض‌آمیز شوونیستی، دخالت‌های بوروکراتیک دولت مرکزی در تعیین مسئولین اجرایی محلی در سطوح مختلف، جلوگیری از ایجاد سازمان‌های مدنی و دمکراتیک، سیاست‌های تبعیض‌آمیز و ضدانسانی در زمینه‌های

مختلف پزشکی و درمانی و آموزشی و فرهنگی و خدماتی دیگر که بازتاب‌های آن را در میزان مرگ و میر اطفال، پایین آمدن سن متوسط، بقای بیسوادی، محرومیت بیشتر از خدمات شهری و غیره می‌بینیم؛ اینها بخشی از ستمی است که بر مردم کردستان اعمال می‌شود.

به نام حفظ تمامیت ارضی ایران هر حرکت حق طلبانه‌ای که بر علیه این تبعیض و نابرابری صورت می‌گیرد، به وحشیانه‌ترین شیوه‌ها سرکوب می‌شود. عظمت‌طلبی ایرانی چه تحت ناسیونالیزم رژییم شاه و چه تحت پرچم ناسیونالیزم اسلامی همواره ابزار اعمال یک دیکتاتوری خشن نسبت به مردم کردستان بوده است. این گرایش ضدانسانی حتی در میان اپوزیسیون بورژوازی رژییم نیز با وقاحت و بی‌پروایی مورد پشتیبانی قرار می‌گیرد و تبلیغ می‌شود.

۲- ستم ملی مانعی است بر سر راه پیشرفت مبارزه سوسیالیستی کارگران برای رهایی از استثمار طبقاتی، مانعی است بر سر راه رشد آزادانه خلاقیت‌های انسانی این مردم، عاملی است برای ایجاد و تشدید تفرقه بین کارگران متعلق به ملیت‌های مختلف، وسیله‌ای است در دست سرمایه‌داران محلی و سراسری برای ادامه سلطه سیاسی و اقتصادی خود بر زندگی و مقدرات اکثریت جامعه. وجود این ستم چهره واقعی بورژوازی کرد را که در بقاء درجه‌ای از ستم ملی با بورژوازی حاکم سراسری ذینفع است از چشم کارگران می‌پوشاند. از این رو ما برای رفع هرچه سریعتر ستم ملی از مردم کردستان و تأمین آزادی این مردم در تعیین سرنوشت خود، پیگیرانه مبارزه می‌کنیم.

۳- ستم ملی تنها هنگامی رفع خواهد شد که مردم کردستان در تعیین سرنوشت سیاسی خود به معنای تصمیم در مورد جدائی و تشکیل دولت مستقل یا ماندن در چهارچوب ایران، آزاد باشند و عملاً امکان داشته باشند به شیوه‌ای دمکراتیک و به دور از هرگونه فشاری از این حق خود استفاده کنند. مسئله حق تعیین سرنوشت برای مردم کردستان از نظر ما صرفاً یک اعلام موضع اصولی نیست بلکه در عین حال تلاش برای تحقق شرایط دمکراتیکی است که در آن امکان واقعی برای استفاده از چنین حقی فراهم گردد. در یک کردستان ملیتاریزه در جامعه‌ای که گروه‌های نظامی و پاسدار و عوامل

اطلاعاتی و جاسوسی سر هر کوچه و خیابانی را قرق کرده‌اند و بالای سر هر روستایی جاجوش کرده‌اند، در جامعه‌ای که آزادی بیان و تشکل و غیره با زور تفنگ و تهدید زندان و شکنجه سرکوب می‌شود سخنی از حق تعیین سرنوشت نمی‌تواند در میان باشد. تأمین آزادی بیان و مطبوعات، آزادی ایجاد تشکل‌های توده‌ای، آزادی فعالیت احزاب، به مردم کردستان امکان خواهد داد که از حق خود برای تشکیل دولت مستقل و یا تصمیم به ماندن در چهارچوب ایران به‌طور واقعی استفاده کنند. این يك موضع شناخته‌شده کمونیستی است که قبول حق جدایی به‌معنای توصیه جدایی از طرف ما در هر شرایطی نیست. اینکه در آن مقطع که مردم کردستان در موقعیت اتخاذ تصمیم آزادانه خود قرار می‌گیرند ما چه جهتی را تشویق و تبلیغ خواهیم کرد به شرایط سیاسی و اجتماعی آن هنگام به‌طور کنکرت و ارزیابی از مصالح عمومی طبقه کارگر و مردم زحمتکش بستگی دارد.

از نظر ما پیشروی طبقه کارگر برای کسب قدرت سیاسی در ایران بدون يك همبستگی نیرومند طبقاتی در سراسر ایران ممکن نیست. طبقه کارگر متحد و یکپارچه توانایی و قدرت بیشتری برای کسب اهداف سیاسی خود و از جمله رفع ستم ملی از مردم کردستان را خواهد داشت. تضمین پیروزی انقلاب در کردستان – چنانچه در شرایط معینی چنین انقلابی اتفاق بیفتد – جز از طریق يك انقلاب سراسری در ایران قابل تصور نیست؛ از این رو ما مدافع حفظ همبستگی و یکپارچگی بخش‌های مختلف طبقه کارگر ایران هستیم. ما می‌خواهیم که ملت‌های ساکن ایران بدون هیچگونه تبعیض و تفاوتی با حقوق برابر در يك اتحاد داوطلبانه با همدیگر زندگی کنند؛ از این رو به‌عنوان يك اصل ما خواهان ماندن مردم کردستان در چهارچوب ایران و لغو کلیه تبعیض‌ها و نابرابری‌های رسمی و غیررسمی بر اساس ملیت هستیم. ما می‌خواهیم که مردم ساکن کردستان از حقوق برابر شهروندی با همه مردم ساکن کشور ایران برخوردار باشند، زبان رسمی اجباری لغو شود، ارگان‌های حاکمیت محلی جای دستگاه‌های گمارده‌شده از بالا به‌وسیله دولت مرکزی را بگیرند و به دخالت‌های بوروکراتیک دولت مرکزی در اداره امور کردستان خاتمه داده شود و کلیه موانع حقوقی، اقتصادی و قانونی که بر اساس تبعیض

ملی طی سال‌ها شکل گرفته‌اند برطرف شوند.

۴- تجربه تاریخی تمام يك قرن اخير در اکثریت قریب به اتفاق نمونه‌های آن نشان می‌دهد که خودمختاری بعنوان راهی برای حل مسئله ملی در هیچ جای دنیا نه تنها این مسئله را حل نکرده است، بلکه عملاً مشکل را دیرپاتر و شرایط برای حل واقعی آنرا پیچیده‌تر و دشوارتر ساخته است.

اما در مبارزه برای رفع ستم ملی مانند هر عرصه دیگر از مبارزه برای کسب آزادی‌های دمکراتیک و حقوق پایه‌ای مردم، مسئله تناسب قوا و پیشروی گام به گام در متن مبارزه برای اهداف استراتژیک معنای عملی مهمی پیدا می‌کند. محدود کردن اختیارات يك حکومت مرکزی ستمگر و وادار کردن او به عقب‌نشینی به هر میزان، از سنگر ستمگری به عنوان محصول مبارزه مستقیم مردم در جای خود دست‌آوردی است که می‌تواند کار پیروزی نهایی را تسریع کند. ما در همه لحظات این مبارزه فعالانه حضور خواهیم داشت و برای تأمین رهبری کارگری بر این پروسه نیز تلاش خواهیم کرد و در هر مقطعی پلاتفرم‌ها و نقشه‌عمل‌های کنکرت و فعالیت‌های تبلیغی و سیاسی لازم را با توجه به شرایط مشخص در دستور قرار خواهیم داد.

۵- رژیم حاکم هر چند وقت یکبار برای آرام کردن اوضاع در کردستان و ایجاد حالت انتظار در مردم و جدا کردن جنبش کردستان از موج سراسری مبارزاتی مردم ایران از طریق کارگزاران خود به پخش شایعاتی در زمینه تمایل به مذاکره بانبروهای سیاسی کردستان می‌پردازد. ضرورت اشاعه آموزش صحیح در این مورد و درس‌گیری از تجارب تاکنونی ما را موظف می‌کند که یکبار دیگر جهت‌گیری اصولی کومه‌له را در معرض افکار عمومی قرار دهیم. رئوس سیاست کومه‌له در قبال این مسئله می‌توان چنین خلاصه کرد:

**الف-** ستم ملی بر مردم کردستان می‌تواند و باید برطرف شود. اما رفع این ستم نمی‌تواند هدیه حکومت اسلامی‌ای مردم کردستان باشد. که بیست سال است این منطقه را به خاک و خون می‌کشد. هیچ درجه‌ای از عقب‌نشینی رژیم در پذیرش حقوق ملی مردم کردستان جز با مبارزه مستقیم و تغییر تناسب قوا به نفع جبهه مردم ممکن نیست.

ب- اما بعنوان يك اصل کلی «مذاکره با شرورترین دشمنان نیز می‌تواند جزئی از

مبارزه برعلیه آنان باشد». در هر شرایطی ما خواهان آن هستیم که خواسته‌های مردم کردستان با تحمل کمترین مصائب و از کم‌دردترین راهها متحقق شود. از اینرو ما مذاکره با رژیم اسلامی را به‌منظور تحقق مطالبات مردم کردستان، اصولاً رد نمی‌کنیم.

**ج- اصول و شرایط اعلام‌شده ما در هر مذاکره‌ای می‌تواند به‌مبنایی برای اتقاء آگاهی و هوشیاری توده‌ها تبدیل شود. مذاکره می‌تواند به‌وسیله‌ای برای تثبیت پیشروی‌ها و قبولاندن عقب‌نشینی‌هایی به دشمن به‌طور رسمی، تبدیل شود.**

**د- پاسخ مشخص به درخواست مذاکره در هر مقطعی به شرایط سیاسی‌ای بستگی دارد که این امر در آن مطرح می‌شود. نقطه عزیمت ما در هر شرایطی بایستی این باشد که دشمن را از امکان دسیسه‌چینی، کسب وقت، توهم‌پراکنی، ایجاد تفرقه در صفوف مردم و کاشتن تخم تردید و نظایر آن به درجه‌ی زیادی محروم کند و برای این منظور:**

**اولاً- رژیم تمایل خود را مبنی بر مذاکره به‌طور رسمی و علنی از زبان مقامات مسئولش اعلام کند و مذاکره بایستی علنی صورت بگیرد.**

**ثانیاً- بدواً و قبل از شروع هر مذاکره‌ای تعهداتی را در قبال مردم کردستان بپذیرد و به آن عمل کند. این تعهدات قبل از اینکه در زمینه‌ی امتیازاتی برای تشکیلات ما باشد بایستی دربرگیرنده‌ی مصالح عمومی مردم باشد. شرایطی از قبیل بازگرداندن نیروهای نظامی به پادگان‌ها، آزادی زندانیان سیاسی و... می‌تواند از جمله‌ی چنین تعهداتی باشد.**

**۶- روشن است که استراتژی ما متوجه حل مسئله‌ی ملی در کردستان ایران است. اما مسئله‌ی کرد خود به‌عنوان یکی از مسایل گرهی سیاسی در خاورمیانه ابعادی جهانی دارد و به این اعتبار در نزد دولت‌های امپریالیستی، در مجامع بین‌المللی و در افکار عمومی جهان مطرح می‌شود. علاوه بر این در دنیای واقعی مسائل بخش‌های مختلف کردستان بر یکدیگر تأثیرات متقابل دارند. این مردم عملاً در پیروزی‌ها، شکست‌ها، آوارگی‌ها، جنگ‌های داخلی و غیره از همدیگر تأثیر می‌پذیرند. کومه‌له به‌عنوان یک جریان سوسیالیست و انترناسیونالیست و به‌عنوان نیرویی که می‌کوشد جنبش انقلابی در کردستان ایران را رهبری و به پیروزی برساند، می‌بایستی آمادگی سیاسی و روشن‌بینی نظری لازم را برای ایفاء نقش آگاهانه در این زمینه به‌دست بیاورد. نباید اجازه داد که**

بورژوا-ناسیونالیست‌های کرد با میداننداری بلامنازع در این عرصه جنبش آزادیخواهانه مردم کرد را در پیشگاه بورژوازی محلی و جهانی قربانی کنند.

خطوط اصلی مورد تأکید ما در این رابطه عبارتند از:

**الف-** تلاش در جهت خنثی کردن سیاست‌ها و توطئه‌های مشترکی که توسط

کشورهای منطقه و از جمله رژیم حاکم بر ایران، بر علیه مبارزات مردم کردستان تدارك دیده می‌شود.

**ب-** شرکت کردن در مجامع بین‌المللی که بر سر مسئله کرد برگزار می‌شود.

**ج-** هماهنگی با حرکات آزادیخواهانه و ترقی‌خواهانه‌ای که در خارج کشور در

پشتیبانی از مبارزات مردم بخش‌های مختلف کردستان و نقض حقوق اولیه و انسانی آنها، در خارج کشور صورت می‌گیرد.

## ۷

### تشکیلات نمایندگی کومه‌له در خارج کشور

مطابق اساسنامه حزب کمونیست ایران کومه‌له از جمله می‌تواند در رابطه با مصالح و مسائل مردم کردستان در سطح جهانی و در مراجع بین‌المللی به‌نام خود حضور یابد و تصمیمات لازم را اتخاذ کند. تا آنجا که به کار در خارج کشور برمی‌گردد، این امور قاعدتاً تاکنون به وسیله نمایندگی کومه‌له انجام گرفته است. اما نمایندگی کومه‌له غالباً در ظرفیتی بسیار پایین‌تر از نیازها و از امکانات بالقوه کومه‌له در خارج کشور فعالیت کرده است. خاتمه‌دادن به این وضعیت بدون ایجاد يك ارگانيسم تشکيلاتی و سیاسی فعال ممکن نیست. رئوس جهت‌گیری‌های ما برای شکل‌دادن به يك تشکيلات تعریف‌شده با شبکه‌ها و روابط سازمانی معین جهت انجام وظایف کومه‌له در خارج کشور زیر نظر کمیته



مرکزی کومه‌له به قرار زیر خواهد بود:

۱- تشکیل دفتر نمایندگی کومه‌له مرکب از حداقل سه عضو حزب که به‌صورت

کمیته‌ای و با مسئولیت نماینده کومه‌له در خارج کشور کار می‌کنند، شامل:

**الف-** نماینده کومه‌له؛ عضو کمیته مرکزی کومه‌له و مسئول کل فعالیت کومه‌له در

خارج کشور.

ب- مسئول پاسخ‌گویی به نامه‌ها و مراجعات روزمره از قبیل تأییدیه‌ها و...

ج- مسئول آرشیو و بایگانی و صندوق‌های پستی و سایت کومه‌له در شبکه

اینترنت.

۲- تعیین نمایندگان کشوری در کشورهای آلمان، انگلستان، کانادا، استرالیا، فنلاند،

نروژ، ترکیه و...

این نمایندگان مستقیماً زیر نظارت دفتر نمایندگی کومه‌له کار می‌کنند و به آن

پاسخگو خواهند بود. وظایف مشخص و دوره‌ای هرکدام از این نمایندگان کشوری از

جانب رفیق نماینده کومه‌له به آنها ابلاغ می‌شود. باتوجه با استقلال دفتر نمایندگی کومه‌له

در کشور سوئد وجود نماینده کشوری در سوئد ضروری نیست. اما نمایندگی کومه‌له

می‌تواند در صورت لزوم دستیار یا دستیارانی در شهرهای بزرگ این کشور برای پیشبرد

امور خود داشته باشد.

۳- در رابطه با تشکیلات خارج کشور حزب اشکال هماهنگی در انجام وظایف

به‌صورت زیر تأمین خواهد شد:

**الف-** رفیق مسئول تشکیلات خارج کشور می‌تواند در همه جلسات دفتر نمایندگی

حضور داشته باشد. اما تشکیل هر ماه یکبار چنین نشستی با حضور رفیق مسئول

تشکیلات خارج کشور حزب الزامی است.

ب- کلیه اعضای تشکیلات نمایندگی کومه‌له در خارج کشور، در عین حال اعضاء

حوزه‌های حزبی محلی خود محسوب می‌شوند و در جلسات این حوزه‌ها مطابق روال عادی

شرکت خواهند کرد.

ج- وجود تشکیلات نمایندگی کومه‌له در خارج کشور، به‌طور اتوماتیک بقیه اعضاء

حزب را از انجام وظایفی در رابطه با کومه‌له و با جنبش کردستان معاف نمی‌کند. برگزاری مطلوب آکسیون‌ها، مراسم و نمایشگاه‌ها، شب‌های همبستگی و غیره در رابطه با مسائل مختلف جنبش کردستان تنها با فعال‌کردن کل اعضای حزب در خارج کشور ممکن خواهد بود. مسئله اصلی در این رابطه این است که انجام این امور با هماهنگی بین نمایندگی کومه‌له و مسئول خارج کشور و زیر نظارت عمومی کمیته مرکزی حزب انجام بگیرد.

۴- رفیق نماینده کومه‌له موظف است که از طریق گزارش‌دهی منظم کمیته مرکزی کومه‌له را در جریان کلیه امور نمایندگی قرار دهد، یک نسخه از این گزارش خود را همواره به کمیته مرکزی حزب نیز بدهد.

خطوط کلی وظایف تشکیلات نمایندگی کومه‌له در خارج کشور عبارت خواهد بود از:

۱- تبلیغات علنی و انعکاس سیاست‌های کومه‌له در مورد مسائل جنبش کردستان. انعکاس وقایع و رویدادهای کردستان، صدور و توزیع اطلاعیه، توزیع نشریه پیشرو، ترتیب دادن جلسات سخنرانی، مصاحبه با رادیوهای معتبر فارسی زبان، تکمیل و اداره سایت کومه‌له در اینترنت.

۲- نمایندگی کردن کومه‌له در سمینارها، کنفرانس‌ها، مراجع بین‌المللی که در رابطه با مسائل مردم کردستان تشکیل می‌شوند. چنانچه کمیته مرکزی کومه‌له، هیئت‌های ویژه‌ای را رأساً برای شرکت در چنین مجامعی تعیین کند، وجود نماینده کومه‌له در این هیئت‌ها ضروریست.

۳- حفظ رابطه با نهادها، سازمان‌ها و شخصیت‌های معتبر و خوش‌نام که در زمینه‌های سیاسی، انسانی و حقوق بشر کار می‌کنند. (ارسال نشریات، درجریان گذاشتن از مسائل عمومی جنبش کردستان از طریق ارسال نامه).

۴- دیدار و ملاقات با سازمان‌ها و نهادها و نیروهایی که در رابطه با مسائل کردستان کار می‌کنند. این ملاقات‌ها یا با شرکت نماینده انجام می‌گیرد و یا با اطلاع و

تحت هدایت مستقیم او خواهد بود.

۵- صدور اطلاعیه‌های خبری، مصاحبه‌کردن با رادیوهای بین‌المللی و فراخوان برگزاری آکسیون در رابطه با رویدادها و مسائل جنبش کردستان، فراخوان برگزاری مراسم‌های ویژه کومه‌له و انجام سخنرانی در مناسبت‌ها.

۶- صدور تأییدیه برای پناهندگان سیاسی بر طبق روال و ضوابط جافتاده تاکنونی.

۷- جمع‌آوری کمک مالی. تشکیلات نمایندگی کومه‌له می‌تواند رأساً برای جمع‌آوری

کمک مالی از راه‌های مختلف و از جمله تعقیب پروژه کمک مالی فعلی و نیز چاپ قبض‌های کمک مالی ویژه، اقدام کند.

## ۸

### مناسبات با حزب دمکرات کردستان ایران

ارزیابی ما از حزب دمکرات و جایگاه این حزب به‌مثابه یک جریان بورژوائی و ناسیونالیست در مبارزه برعلیه ستم ملی در کنگره‌های قبلی کومه‌له نسبتاً به تفصیل صورت گرفته است. آنچه که در این کنگره تأکید مجدد بر آن ضروری است، اعلام آمادگی کومه‌له برای پیگیری سیاست‌های قبلی در رابطه با این حزب است. در این رابطه است که ما یک‌بار دیگر اعلام می‌کنیم:

به‌منظور کاهش دادن دشواری‌ها و زیان‌ها و مصائب ناشی از مبارزه برعلیه ستم ملی برای مردم کردستان؛ به‌منظور محدود نمودن امکان توطئه‌گری دولت مرکزی؛ به‌منظور تأمین شرایط مساعدتر برای مبارزه سیاسی نیروهای اپوزیسیون موجود در کردستان و اجتناب از درگیری و برخوردهای مسلحانه؛ به‌منظور ایجاد مانع بر سر راه پایمال شدن حقوق و آزادی‌های اولیه مردم زحمتکش به‌وسیله احزاب و نیروهای مسلح در کردستان؛ ما خواهان شکل‌دادن به هماهنگی و همکاری‌های معینی با حزب دمکرات کردستان ایران، در مبارزه مشترک با رژیم جمهوری اسلامی هستیم. در شرایط فعلی از جمله می‌توان به موارد همکاری‌های زیر اشاره کرد:

۱- ارائه پلاتفرم‌ها و مطالبات مشترك در رابطه با دولت مرکزی در جهت رفع ستم ملی از مردم کردستان.

۲- همکاری و هماهنگی در زمینه مقابله با طرح‌ها و نقشه‌های جنگی و تروریستی رژیم در کردستان، همکاری‌های فنی، تدارکاتی، اطلاعاتی و نظایر آن.

۳- تعیین شرایط و پیش‌شرط‌های واحد برای شروع هر نوع گفت‌وگوی احتمالی با دولت مرکزی در هر مقطعی. همکاری برای تعیین هیئت نمایندگی واحد در چنین گفت‌وگوهایی.

۴- همکاری در خارج کشور و در مجامع و محافل بین‌المللی در جهت دفاع از حقانیت مبارزه مردم کردستان و افشاء سرکوبگری‌ها و ستم‌گری‌های دولت مرکزی. در اینجا يكبار دیگر تأکید می‌کنیم که پذیرش اصل آزادی‌های بدون قید و شرط سیاسی و احترام به حقوق مردم زحمتکش، التزام عملی و پایمال نکردن آن از جانب احزاب سیاسی فعال در کردستان، زمینه‌ها و امکان رودررویی‌های مسلحانه بین احزاب سیاسی از بین خواهد برد و راه را برای شکل‌گیری يك جامعه مدنی و مبارزه متمدانه سیاسی هموار خواهد کرد. برای اجتناب از تکرار تجربیات تلخی که در گذشته در اثر پایمال شدن این حقوق و آزادی‌ها اتفاق افتاده‌اند و ضربات سختی که در نتیجه آن بر جنبش حق‌طلبانه مردم وارد آمده است، ما بر اعلام رسمی پذیرش این اصول از جانب کلیه احزاب سیاسی کردستان پافشاری می‌کنیم.

## فصل سوم

### درباره مسائل تشکیلاتی این دوره و راه حل‌ها

طی يكسال گذشته تشکیلات ما دستخوش تنش‌های درونی حادی شده است، که بخش زیادی از انرژی و توان ما را به‌خود مشغول داشته است. در مورد تحلیل و ریشه‌یابی این مسئله سخن بسیار گفته شده است. آیا مسئله بر سر عملکرد گرایش‌ها

سیاسی مختلف و اختلاف بر سر دیدگاه‌ها و مواضع سیاسی است؟ اگرچه بطور واقعی سرچشمه و علت‌العلل کل مشکلات ما را در پاسخ مثبت به این سؤال بایستی جستجو کرد اما متأسفانه به دلیل نازل بودن سطح دیالوگ سیاسی بر سر مسائل مهم روبه بیرون در این حزب، و حسابگری با انگیزه‌های شخصی و تشکیلاتی تنها گوشه‌هایی از این اختلافات بروز یافته‌اند. در ماه‌های اخیر دیدیم که چگونه «صاحب‌نظران» دیدگاه‌های خود را در مقابل خط رسمی حزب به تدریج، ذره، ذره و با محاسبه تناسبات قوای تشکیلاتی در هر مقطع، عرضه می‌کنند. با وجود این در يك سال اخیر در زمینه‌های زیر نشانه‌هایی وجود اختلاف نظر که هرکدام از آنها می‌تواند به نتایج عملی تاکتیکی، تشکیلاتی و سیاسی متفاوتی منجر شوند، بروز پیدا کرده است:

#### - نگرش نسبت به تاریخ حزب: رفقای در بین ما نفس مشارکت در تشکیل حزب

کمونیست ایران را یکی از اشتباهات تاریخی کومه‌له ارزیابی می‌کنند و به نظر می‌رسد در ارزیابی از این جریان بعضی با «حزب»، بعضی با «ایران» و بعضی هم با «کمونیسم» آن مسئله دارند و همین خود نقطه عزیمت گرایش‌های سیاسی متفاوت در حزب کمونیست است. اینها خدمت تاکنونی این جریان را به حرکت سوسیالیستی و کمونیسم ایران و به خود کومه‌له به عنوان يك تشکیلات معین انکار و یا فراموش می‌کنند و برخی آشکارا تاریخ واقعی و مستند آنرا تحریف می‌کنند. اما اگر بحث تنها يك نگرش به گذشته و ارزیابی‌های متفاوت از آن بود حساسیت چندانی بر نمی‌انگیخت. مسئله واقعی در این رابطه نتیجه‌گیری‌های سیاسی و تشکیلاتی متفاوتی است که از این ارزیابی صورت می‌گیرد.

#### - استراتژی کومه‌له در جنبش کردستان: این مسئله هم یکی از موضوعات مورد

اختلاف در حزب است. بحث استراتژی از کنگره ششم کومه‌له در بهار سال ۱۳۶۷ با جدیت بیشتری مطرح شد و سرانجام استراتژی و تاکتیک‌های ما در چند قطعنامه فرموله شدند. در رابطه با همین بحث، تبیین انقلاب ۱۳۵۷ در ایران و رابطه جنبش کردستان با جنبش سراسری نیز از مسائلی هستند که نظرات متفاوتی در همین سطحی که بالاتر به آن اشاره شد درباره آن وجود دارد. در رابطه با شرایط سیاسی جدید در ایران و

تاکتیک‌های ما در قبال آن نیز سایه‌روشنهایی از وجود اختلاف‌نظر و استنتاجات تاکتیکی متفاوت دیده می‌شود.

### اردوگاه‌های کومه‌له و فعالیت ما در کردستان عراق: در رابطه با این مسئله نیز

اختلاف‌نظر سیاسی پوشیده‌ای وجود دارد و ارزش ماندن و ادامه‌کاری ما در این منطقه در نزد همه رفقا یکسان نیست. این هم از آن مواردی است که بحث باز و صریحی در مورد آن صورت نمی‌گیرد اما در عمل روزمره و میزان مشارکت در همه عرصه‌های تشکیلات منعکس می‌شود.

در کنار اینها کم‌بودن میزان مشارکت رفقای مقیم خارج در امور تشکیلات علنی ما در کردستان و مسائلی که در حول و حوش آن مطرح می‌شود همواره یکی از مایه‌های تنش در سطوح مختلف و به‌ویژه در کمیته‌های مرکزی بوده‌است. رفقای مقیم کردستان احساس می‌کنند که در این رابطه نسبت به کار و زحمات آنها قدرشناسانه برخورد نمی‌شود. و رفقای مقیم خارج هم از این شکایت دارند که شرایط زندگی و کار آنها در خارج کشور از جانب رفقای مقیم داخل درک نمی‌شود. تفاوت در شرایط مادی و عینی فعالیت این دو بخش تشکیلات و نتایج تبعی آن در کنار مسائل دیگری که قبلاً به آن اشاره شد طی یکی دو سال اخیر موجبات تشدید اختلافات درونی در صفوف ما و در بالای حزب را فراهم کرده‌اند.

به این لیست شاید بتوان نکات دیگری را هم اضافه کرد. اینها از جمله مسائل سیاسی بااهمیتی هستند که افق سیاسی ما را تعیین می‌کنند و فعالیت‌های روزمره ما را شکل می‌دهند. وجود بحث و دیالوگ رفیقانه درباره آنها نه تنها علی‌القاعده نبایستی مایه هیچ نوع تنش و تشنجی باشد بلکه شرط حرکت رو به پیش و تأمین وحدت سیاسی اصولی ما هستند.

اما در یک سال گذشته جمعی از رفقای رهبری حزب در تعقیب اهداف جاه‌طلبانه و سیاسی خود شیوه‌هایی را برای کسب موقعیت‌های بالای تشکیلاتی و ازجمله کسب اکثریت در کمیته مرکزی بکار بردند که تماماً مغایر با پرنسیپ‌های تاکنونی کومه‌له بود. آنها وقتی احساس کردند که کسب اکثریت در کمیته مرکزی حزب و کومه‌له با شیوه‌های

معمول و در يك مبارزه روتین حزبی ممکن نیست، به تشکیل محافل پنهانی و ایجاد تشکیلاتی در درون تشکیلات اقدام کردند و کار را به جایی رساندند که به تهیه امکانات مادی برای پیشبرد نقشه‌هایشان پرداختند. و وقتی که این مسئله برملا شد آنگاه کارشکنی‌های عملی خود را در سطوح مختلف آغاز کردند و کوشیدند که ارگان‌های رسمی و قانونی را عملاً فلج کنند و اداره امور روزمره تشکیلات را به بن‌بست بکشانند.

اما آنچه که در این گزارش قبل از هر چیز مدنظر ما است، چاره‌جویی و انجام اقداماتیست که می‌توانند در تخفیف و حل این معضلات مؤثر واقع شوند و از جدائی‌های زودرس و غیرمسئولانه که بازتاب اجتماعی زیانباری در جامعه کردستان بدنبال خواهد داشت جلوگیری نمایند. در این رابطه تأکید بر نکات زیر را ضروری می‌دانیم.

۱- وجود اختلاف‌نظر و حتی پیداشدن گرایش‌های سیاسی مختلف در يك حزب سیاسی جدی امری طبیعی است. با هیچ درجه‌ای از اختلاف‌نظر صرف، تنش‌های تشکیلاتی از قبیل آنچه که طی يك سال گذشته در حزب ما اتفاق افتاده‌اند را نمی‌توان توضیح داد. تشکیلات ما می‌تواند با متانت و اعتماد به نفس بحث‌های سیاسی مخالف هم را بر طبق ضوابط اصولی و اساسنامه‌ای به کانال درست خود، هدایت کند. اگر مسئله بر سر اختلاف‌نظر باشد آنچه که رسماً تاکنون عنوان شده‌اند هنوز در حدی نیستند که صف‌بندی‌های تشکیلاتی ایجادشده را به‌روشنی توضیح دهند و به طریق اولی در حدی نیستند که همزیستی آنها در درون يك تشکیلات واحد غیرممکن شده باشد.

کومه‌له در قبال حرکت کمونیستی در ایران و در قبال جنبش انقلابی در کردستان مسئولیت سنگینی برعهده دارد و بایستی وظایف خطیر خود را در این رابطه بشناسد. هر اقدامی که جدایی زودرسی را به ما تحمیل کند و در نتیجه موقعیت جریان ما را در این منطقه تضعیف کند، بهره آن مستقیماً به جیب بورژوازی سرازیر می‌شود و این خطای سنگینی است. آنهایی که محدودنگرانه و غیرمسئولانه در این راه گام برمی‌دارند بایستی جوابگو باشند.

۲- در این راستا است که بایستی بر تفرقه و دودستگی‌های با محتوای سیاسی

مبهم فایق آمد. بایستی کلیه ملزومات عملی و تشکیلاتی لازم را جهت انجام پلمیک‌های رفیقانه در تشکیلات فراهم نمود تا جایی برای تشدید تفرقه موجود بر سر انگیزه‌های محدود سازمانی باقی نماند. ایجاد محیطی آرام و فضایی رفیقانه در کل تشکیلات و به‌ویژه در کردستان که در آن رفقا بتوانند در حین انجام وظایف تشکیلاتی خود بر سر مسائل اساسی مربوط به خط‌مشی و سیاست آتی کومه‌له و حزب کمونیست ایران در زمینه‌های مختلف به بحث و اظهارنظر آزاد بپردازند و یا جهت سیاسی خود را آگاهانه انتخاب نمایند. تعیین چهارچوب دمکراتیک و متمدنانه برای حقوق اقلیت رسمی در حزب حق تشکیل و ایجاد فراکسیون. فراهم کردن امکان انتشار علنی مباحث و در معرض قضاوت عمومی تر قراردادن آنها.

بدست آوردن یک وحدت سیاسی جدید و یا صف‌بندی براساس خطوط روشن در یک محیط رفیقانه؛ این هدفی است که می‌توان به آن دست یافت. اما این کاری نیست که صرفاً از عهده کمیته مرکزی آینده کومه‌له برآید. چنین هدفی جز با همکاری و مشارکت صمیمانه همه رفقا براساس وحدت عمل و در متن یک مبارزه مثبت رو به بیرون، به دست نخواهد آمد.

۳- اما وحدت عمل و همچنین پیشبرد پلمیک‌های سیاسی جدی درون حزبی جز از طریق کار براساس اساسنامه و ضوابط روشن و تعریف‌شده ممکن نیست. در عین حال لازم است که در همین کنگره یک مکانیزم بازرسی جدی ایجاد کنیم که به کنگره آتی جوابگو باشد و بر صحت و دقت توافق‌های به‌عمل آمده در این کنگره نظارت کند. در این مورد لازم است که در همین کنگره به‌دک مشترکی برسیم.

وحدت عمل شرط اساسی کار جدی حزبی است. اختلاف‌نظر و دیدگاه‌های متفاوت نبایستی به رکود فعالیت‌های بیرونی ما منجر شوند. جدا از هر نظری که پیرامون ترکیب کمیته مرکزی آتی، این یا آن مسئول تشکیلاتی داریم، موظف هستیم که تحت نظارت ارگان‌های رسمی تشکیلاتی فعالیت کنیم. کسی که می‌خواهد نظر یا پیشنهاد خاصی را به‌پیش برد بایستی از کانال‌های تشکیلاتی اقدام کند. بایستی با استانداردهای یک حزب منضبط کار کرد. فعالیت‌های تشکیلاتی ما باید چهره روتین خود را بازیابند. طی ماه‌های



اخیر تشکیلات ما از این لحاظ آسیب دیده است و کمیته مرکزی آتی کومه‌له نبایستی خودسری‌های تشکیلاتی را از کسی بپذیرد.

۴- در زمینه اختلاف نظر، اولاً: بایستی به نظرات مخالف سیاست‌های رسمی امکان داده شود به‌جای طرح محفل به‌صورت علنی و مدون عرضه شوند. ثانیاً: تلاش ما بایستی بر این باشد که مباحث هرچه بیشتر از جدل پیرامون مسائل تشکیلاتی دور بشوند و به جامعه و جنبش پردازد و اختلافی اگر هست در این عرصه‌ها خود را نشان دهد. ثالثاً: در همین کنگره ضوابط مربوط به این مسئله تدوین شود. در هر حال اصل بر این است که نظرات و دیدگاه‌های سیاسی کلیه افراد تشکیلاتی بدون هیچگونه محدودیت و قید و شرطی مجال انتشار درونی و بیرونی پیدا خواهند کرد. تنها توصیه رفیقانه این است که جهت سالم‌سازی محیط تشکیلات و تقویت مناسبات رفیقانه، لحن و چهارچوب‌های حتی‌المقدور متین‌تری برای ارائه نظرات انتخاب شود.

۵- به‌عنوان یک روش کار، کمیته مرکزی کومه‌له بایستی بکوشد که اعضاء حزب را هرچه بیشتر در تدقیق و تدوین سیاست‌های مبارزاتی ما دخیل کند. سمینارها، کنفرانس‌ها، نظرخواهی از طریق نامه‌ها و نشریات داخلی، برگزاری بموقع کنگره‌ها و... از جمله ابزارهایی هستند که بایستی در دوره آتی با جدیت و حساسیت بیشتری به‌کار گرفته شوند.

۶- تقسیم کار در کمیته مرکزی آتی کومه‌له بایستی براساس اولویت‌دادن به فعالیت‌های مؤثر رو به بیرون انجام بگیرد. بیشترین نیرو و انرژی بایستی به این عرصه‌ها از کار اختصاص داده شود. به خرده‌کاری و پرداختن همه به رفع و رجوع کردن امور تکشیلات علنی بایستی خاتمه داد.

۷- کمیته مرکزی آتی کومه‌له باید موظف شود که حداقل هر دو ماه یکبار گزارش عملکرد خود و ارگان‌های تشکیلاتی تابعه خود را به کمیته مرکزی حزب ارائه دهد و هر سه ماه یکبار اعضاء تشکیلات را از مهمترین مسائل و مشغله‌ها و سیاست‌های خود که در نشریات علنی انعکاس نیافته‌اند، مطلع سازد.

